

تاریخ دانشگاه تهران

جلد نخست

(دانشگاه در دوره اول ۱۳۲۲-۱۳۱۳)

بخش نخست

تألیف

غلامحسین زرگری نژاد، منصور صفت گل، محمدباقر وثوقی

(استادان دانشگاه تهران)

زیر نظر

غلامحسین زرگری نژاد



انتشارات دانشگاه تهران

شماره مسلسل ۹۴۰۳

سرشناسه	: زرگری، غلامحسین، ۱۳۲۹-
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخ دانشگاه تهران / مؤلفان غلامحسین زرگری نژاد، منصور صفت گل، محمدباقر وثوقی؛ زیر نظر غلامحسین زرگری نژاد.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۸۵-
مشخصات ظاهری	: ۱۰ ج: مصور، جدول، عکس.
فروست	: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۹۴۰۳.
شابک دوره	: 978-964-03-9973-6
شابک جلد اول	: 978-964-03-9403-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
مندرجات	: ج . نخست دانشگاه در دوره اول ۱۳۲۲-۱۳۱۳-
موضوع	: دانشگاه تهران - تاریخ
شناسه افزوده	: صفت گل، منصور، ۱۳۴۰-
شناسه افزوده	: وثوقی، محمدباقر، ۱۳۳۷-
شناسه افزوده	: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات
رده بندی کنگره	: LGR۴۵۴/۴ت۲
رده بندی دیویی	: ۳۷۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵-۲۴۴۲

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگها، سایتها، مجلهها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می شود و تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.



عنوان: تاریخ دانشگاه تهران: جلد نخست (دانشگاه در دوره اول ۱۳۲۲-۱۳۱۳) بخش نخست

تألیف: غلامحسین زرگری نژاد- منصور صفت گل - محمدباقر وثوقی

زیرنظر: غلامحسین زرگری نژاد

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلفان است»

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»

بها: ۲۰۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرشی مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - تارنما: <http://press.ut.ac.ir>

بخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

فهرست مندرجات

۱	مقدمه ریاست محترم دانشگاه تهران
۹	مقدمه معاون محترم پژوهشی دانشگاه تهران
۱۲	مقدمه دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران
۱۳	درآمد

بخش نخست:

۲۹	زمینه‌ها و ریشه‌های تاریخی تأسیس دانشگاه تهران
----	--

فصل اول:

۳۱	دارالفنون شالوده مدارس عالی ایران معاصر
۴۰	اسامی محصلان رشته طب:
۴۱	اسامی معلمین و متعلمین دارالفنون که خلعت و نشان دریافت کرده‌اند:
۴۱	اسامی شاگردان رشته هندسه:
۴۳	اهدای نشان به معلم کل پیاده‌نظام:
۴۳	اسامی شاگردان پیاده‌نظام دارالفنون که از جانب شاه به انعام مفتخر شدند:
۴۴	اهدای نشان به موسیو کریشش معلم توپخانه:
۴۴	اهدای نشان به موسیو فکتی معلم علم طبیعی و دواسازی دارالفنون:
۴۴	اهدای نشان به موسیو پولاک حکیم‌باشی معلم علم طب دارالفنون:
۶۰	رؤسا، معلم‌ها و کارکنان دارالفنون:
۶۳	افول دارالفنون

بخش دوم:

پیش‌زمینه‌های تأسیس دانشگاه تهران در عصر مظفری و دوره مشروطه ۶۹

فصل اول:

از انجمن معارف تا قانون اساسی معارف ۷۱

۱- تأسیس انجمن معارف و ایجاد مدارس جدید ملتی ۷۱

۲- تأسیس شورای عالی معارف توسط امین‌السلطان ۷۴

۳- سیاست اعزام دانشجویان به فرنگ در عصر مشروطه ۷۷

تجدید اعزام دانشجویان به خارج ۸۱

نظامنامه اعزام محصلین به خارجه ۸۱

احصائیه محصلین اعزامی به کشورهای خارجه ۸۴

احصائیه شاگردان غیر دولتی مقیم ممالک خارجه در سال ۱۳۱۱ ۱۲۶

۴- تصویب قانون اساسی معارف در مجلس دوم مشروطه ۱۲۷

۵- تصویب قانون شورای عالی معارف و تدوین نظامنامه داخلی شورا ۱۳۵

فصل دوم:

مدارس عالی زیرساخت دانشکده‌های اولیه دانشگاه تهران در عصر مشروطه ۱۳۳

۱- مدرسه عالی طب، میراث امیرکبیر برای دانشگاه تهران ۱۳۳

فارغ‌التحصیل‌های مدرسه طب تهران ۱۳۶

۲- مدرسه حقوق و علوم سیاسی شالوده دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۱۴۱

گواهینامه دانشجویان مدرسه علوم سیاسی در آستانه ادغام با مدرسه حقوق ۱۴۳

ریاست مرحوم دهخدا و تدوین اساسنامه مدرسه حقوق و علوم سیاسی ۱۴۳

استادان، رؤسا و مدیران مدرسه علوم سیاسی ۱۴۵

اسامی معلمان مدرسه عالی حقوق تا زمان انضمام آن با مدرسه علوم سیاسی ۱۴۹

دروس اولیه مدرسه حقوق ۱۴۹

فارغ‌التحصیلان مدرسه سیاسی از دوره اول تا دوره بیست‌وسوم ۱۵۱

۳- مدرسه صنعتی دولتی و مدرسه عالی مهندسی ۱۶۰

۴- تأسیس مدرسه عالی فلاحت بنیان تاریخی دانشکده کشاورزی ۱۶۱

۵- مدرسه عالی تجارت ۱۶۳

۶- دارالمعلمین مرکزی و دانشسرای عالی ۱۶۴

قانون تأسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی (مصوب ۱۹ اسفند ۱۳۱۲) ۱۷۱

بخش سوم:

- از قانون تأسیس تا افتتاح شورای دانشگاه ۱۷۵
- درآمد: ۱۷۷
- دوره اول: دوره شکل‌گیری و تثبیت ساخت و سازمان آموزشی و اداری ۱۷۹
- دوره دوم: دوره استقلال از وزارت فرهنگ ۱۸۰
- دوره سوم: تأسیس وزارت علوم و پیوستن دانشگاه تهران به آن ۱۸۱
- دوره چهارم: دانشگاه تهران پس از انقلاب اسلامی ۱۸۳

فصل اول:

- نخستین برنامه‌ریزی‌ها برای تأسیس دانشگاه تهران ۱۸۵
- از لایحه تأسیس دانشگاه تا نظامنامه تأمین اساتید ۱۹۰
- نخستین شور در باره لایحه تأسیس دانشگاه ۱۹۱
- شور دوم و تصویب لایحه تأسیس دانشگاه در مجلس ۱۹۸
- قانون تأسیس دانشگاه، مصوب هشتم خرداد ۱۳۱۳ ۲۰۵
- خرید زمین و آغاز بنای دانشگاه تهران ۲۱۰
- نظامنامه تأمین استادان دانشگاه ۲۱۳

فصل دوم:

- افتتاح دانشگاه و تأسیس دانشکده‌های ششگانه ۲۱۷
- مراسم افتتاح رسمی توسط محمدعلی فروغی نخست‌وزیر وقت ۲۱۷
- تأسیس و افتتاح دانشکده‌های ششگانه دانشگاه تهران ۲۲۱
- سالروز تأسیس دانشگاه، عید معارف ایران ۲۲۵
- مراسم درختکاری در پردیس مرکزی دانشگاه تهران ۲۵ اسفند ۱۳۱۴ ۲۲۹

بخش چهارم:

- نخستین گام‌ها برای برنامه‌ریزی و ایجاد سازمان اداری و آموزشی دانشگاه ۲۳۱

فصل اول:

- تشکیل شورای دانشگاه و نخستین اقدامات و برنامه‌ها ۲۳۳
- ۱- ترکیب اعضا و مصوبات نخستین جلسه شورا ۲۳۳
- ۲- تأسیس دارالانشاء ۲۳۸

- ۳- تدوین نظامنامه شورای دانشگاه ۲۴۲
- ۴- تحولات اعضا و ترکیب شورای دانشگاه در دوره اول ۲۴۵
- ۵- رؤسای دانشگاه در دوره اول ۲۴۷
- ۶- انتخاب نخستین معاون دانشگاه ۲۴۹
- ۷- آیین نامه لباس رسمی و رنگ لباس استادان دانشکده‌ها ۲۵۰
- ۸- شورای دانشکده‌ها از آغاز فعالیت ۲۵۳

فصل دوم:

- شورای دانشگاه و تلاش برای تدوین مقررات تأمین اساتید دانشگاه ۲۵۹
- تدوین نظامنامه تهیه رساله و نیل به درجه استادی ۲۵۹
- نظامنامه پیوستن داوطلبان استادی دانشگاه ۲۶۱
- داوطلبان استادی و رساله‌های پیشنهادی آنان ۲۶۲
- انتخاب نخستین هیأت‌های ممیزه ۲۶۵
- تصویب رساله‌های تألیف شده استادان داوطلب تدریس در دانشگاه ۲۶۵
- مخالفت با تقاضای لیسانسیه‌های دانشسرای عالی و معلمین مدرسه فلاحت برای پیوستن به دانشگاه و موافقت با درخواست معلمین مدرسه موسی‌قار ۲۶۷
- بررسی صلاحیت علمی داوطلبان تدریس و استخدام در دانشگاه ۲۶۸
- فهرست تفصیلی تأیید صلاحیت تدریس استادان در شورای دانشگاه تهران ۲۷۰
- شورای دانشگاه و تدوین نظامنامه جدید انتخاب دانشیار ۲۷۷
- متن نظامنامه اولیه انتخاب دانشیار (مصوب ۲۷ آذر ۱۳۱۳ شورای عالی معارف) ۲۷۹
- نظامنامه جدید انتخاب دانشیار (مصوب ۸ خرداد ۱۳۱۴ شورای دانشگاه) ۲۸۰
- شورای دانشگاه و موافقت با فعالیت دانشیاران در ادارات و مؤسسات دولتی ۲۸۱
- نخستین آیین نامه ترفیع استادان دانشگاه تهران ۲۸۴
- اعطای دکترای افتخاری به رجال خارجی و داخلی در دوره اول ۲۸۶
- انتخاب پوپ و گدار به عضویت افتخاری دانشگاه ۲۸۶
- اعطای اولین دکترای افتخاری به دکتر قاسم غنی ۲۸۹
- استادان خارجی در دوره اول حیات دانشگاه تهران ۲۹۰
- نخستین استاد زن، در دانشگاه تهران ۲۹۶
- تدریس استادان دانشگاه در دبیرستان‌ها ۲۹۸
- تعیین نخستین کرسی‌های دانشکده‌ها در شورای دانشگاه ۲۹۹

- ۳۰۸ نخستین گروه هیأت علمی دانشگاه تهران از میان فارغ‌التحصیلان خارج کشور
- ۳۰۹ ممنوعیت تحصیل کارکنان در دانشگاه تهران
- ۳۱۰ کنفرانس‌ها و سخنرانی‌های علمی در دوره اول تاریخ دانشگاه
- ۳۲۰ تکیه‌کلام برخی اساتید دانشگاه تهران در دوره اول

فصل سوم:

- ۳۲۳ عناوین مهم‌ترین آیین‌نامه‌ها، مصوبات و دستورالعمل‌های شورای دانشگاه
- ۳۳۸ خلاصه مهم‌ترین مصوبات نظام آموزشی در شورای دانشگاه تهران

فصل چهارم:

- ۳۴۶ ضوابط پذیرش دانشجو، شرایط دریافت دانشنامه و اعطای مدال
- ۳۴۶ شرایط و ضوابط پذیرش دانشجو در دانشکده‌های اولیه
- ۳۵۸ نظامنامه دانشنامه‌های دانشگاه و شرایط دریافت المثنی
- ۳۵۹ اعطای مدال درجه اول علمی به دانشجویان شاگرد اول دانشگاه

بخش پنجم:

- ۳۶۵ بودجه، اموال، اولین منابع مالی و حقوق اساتید دانشگاه در دوره اول

فصل اول:

- ۳۶۷ بودجه، اموال و اولین منابع مالی دانشگاه در دوره اول
- ۳۷۰ شعبه محاسبات در اداره دارالانشاء
- ۳۷۱ شورای دانشگاه و اختیارات مالی آن
- ۳۷۲ نظامنامه اموال دانشگاه
- ۳۷۳ روند تنظیم بودجه در دانشگاه تهران

فصل دوم:

- ۳۷۹ نگاهی به حقوق نخستین اساتید دانشگاه
- ۳۸۱ بودجه مدرسه طب و دانشکده پزشکی در سالهای اولیه

بخش ششم:

- ۳۹۳ ساختمان‌ها، املاک و موقوفات دانشگاه تهران

فصل اول:

- ۳۹۵ نخستین ساختمان‌های دانشگاه در دوره اول

- قانون اجازه استخدام ماکزیم سیرو برای خدمت در دانشگاه تهران ۳۹۸
- احداث دانشکده پزشکی، اولین دانشکده در پردیس مرکزی ۳۹۹
- آغاز عملیات ساختمان اصلی دانشکده پزشکی ۴۰۳
- آزمایشگاه‌های دانشکده پزشکی ۴۱۷
- احداث ساختمان «باشگاه دانشجویان» و نخستین «خوابگاه دانشجویی» ۴۲۱
- احداث ساختمان دانشکده فنی در پردیس مرکزی دانشگاه ۴۲۲

فصل دوم:

- موقوفات دانشگاه ۴۲۷

بخش هفتم:

- کتابخانه‌ها و انتشارات دانشگاه تهران ۴۳۹

فصل اول:

- کتابخانه‌های دانشگاه در دوره اول فعالیت دانشگاه تهران ۴۴۱
- کتابخانه دانشکده طب ۴۴۸
- نظامنامه اداره کتابخانه و سخنرانی‌ها و انتشارات فنی (پزشکی) ۴۴۹
- کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی ۴۵۲
- آیین‌نامه کتابخانه دانشکده‌ها (مصوب خرداد ۱۳۲۰) ۴۵۶

فصل دوم:

- پیش‌زمینه‌های تاریخی ایجاد چاپخانه دانشگاه و شکل‌گیری دایره انتشارات ۴۵۹
- قرارداد خرید ششصد سهم پانصد ریالی از شرکت سهامی چاپ ۴۶۱
- قرارداد بین دانشگاه تهران و شرکت سهامی چاپ مورخ بهمن‌ماه ۱۳۱۵ ۴۶۲

بخش هشتم:

- دانشگاه تهران و روابط بین‌المللی ۴۶۹
- شکل‌گیری سازمانی روابط بین‌المللی ۴۷۱
- تبادل استاد و دانشجو و مأموریت‌های علمی ۴۷۳
- شرکت نمایندگان دانشگاه در سمینارهای بین‌المللی ۴۷۴
- پیوندهای پژوهشی دانشگاه و مجامع علمی دنیا ۴۸۰

بخش نهم:

- تاریخ تفصیلی دانشسرای عالی و ادبیات در دوره اول تاریخ دانشگاه..... ۳۸۵
- دانشکده‌ها و مؤسسات دانشگاه تهران از آغاز تا سال ۱۳۲۱ شمسی ۴۸۷
- تاریخچه تفصیلی دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات ۴۸۸
- تهیه و نصب مجسمه فردوسی در دانشسرای عالی ۳۹۶
- نخستین برنامه‌های درسی دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی..... ۴۹۷
- سیر پروگرام‌ها و برنامه و اساسنامه‌های دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات..... ۴۹۸
- پروگرام دارالمعلمین عالی مرکزی (مصوب ۳۰ مرداد ۱۳۰۷)..... ۴۹۸
- برنامه درسی دارالمعلمین عالی (۱۳۱۱-۱۳۱۲) ۵۰۱
- اساسنامه دانشسرای مقدماتی (مصوب ۶ شهریورماه ۱۳۱۳) ۵۰۳
- اساسنامه و دستور تحصیلات دانشسرای عالی (۲۰ شهریور ۱۳۱۳)..... ۵۰۸
- دستورالعمل و مقررات راجع به دانشکده علوم و ادبیات (۲۷ شهریور ۱۳۱۳)..... ۵۱۰
- تأسیس رشته «آثار باستان»..... ۵۱۴
- نخستین آیین‌نامه پذیرش دانشجوی شبانه‌روزی در دانشسرای عالی (۱۳۱۵) ۵۱۷
- شرایط پذیرفتن فارغ‌التحصیل‌های دانشسرای مقدماتی در دانشسرای عالی (۱۳۱۵)..... ۵۱۹
- نخستین نظامنامه امتحانات دانشکده ادبیات (مصوب ۲۳ مرداد ۱۳۱۴)..... ۵۱۵
- نمونه‌ای از نخستین برنامه امتحانات دانشکده ادبیات و دانشسرا (خردادماه ۱۳۱۵) ۵۲۰
- نخستین خطابه‌ها و مقالات دانشجویان دانشکده ادبیات..... ۵۲۳
- نخستین گردش علمی دانشجویان..... ۵۲۸
- نخستین آیین‌نامه‌ها در باره تحصیلات بانوان در دانشکده علوم و ادبیات ۵۲۸
- نخستین بانوان دانشجو در دانشکده ادبیات ۵۲۹
- یکسان شدن تعهدنامه و تعدیه شهریه خانم‌ها و آقایان ۵۳۰
- نخستین شرایط تحصیل در دوره دکتری دانشکده ادبیات ۵۳۰
- اولین آیین‌نامه رساله دکتری زبان فارسی..... ۵۳۳
- آیین‌نامه امتحان دوره دکتری زبان فارسی ۵۳۵
- دکتر محمد معین، نخستین فارغ‌التحصیل دکتری دانشکده ادبیات..... ۵۳۵
- تغییر نظام شهادت‌نامه‌ای به نظام کلاسی ۵۳۶
- اساسنامه دانشسرای عالی (مصوبه ۲۴ شهریور ۱۳۱۷)..... ۵۳۷
- انحلال رشته خانه‌داری در دانشکده ادبیات ۵۴۱

۵۴۲ نخستین فارغ‌التحصیلان دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات
۵۴۳ اسامی فارغ‌التحصیلان سال ۱۳۱۴ دانشسرای عالی
۵۴۳ اسامی فارغ‌التحصیلان سال ۱۳۱۵ دانشسرای عالی
۵۴۴ اسامی دانشجویان فارغ‌التحصیل دانشکده ادبیات ۱۳۱۴-۱۳۱۸
۵۵۰ فارغ‌التحصیل‌های دانشسرای عالی سال ۱۳۱۸-۱۳۱۹
۵۵۱ فارغ‌التحصیل‌های دانشسرای عالی (بعد از تعطیل ۱۳۱۹)
۵۵۲ نخستین انجمن‌های دانشجویی دانشکده ادبیات
۵۵۴ گسترش انجمن‌های دانشجویی در سال ۱۳۲۱-۱۳۲۰ خورشیدی
۵۵۵ رؤسا و اساتید دانشکده ادبیات در دوره اول
۵۵۶ اسامی استادان و رشته تخصصی آنان در سال تحصیلی ۱۳۱۳-۱۳۱۴
۵۵۷ فهرست استادان دانشکده ادبیات و علوم و دانشسرای عالی ۱۳۱۷-۱۳۱۸
۵۵۸ نمونه‌هایی از شرح تفصیلی دروس دانشکده‌ها در دوره اول
۵۶۵ نمونه‌ای از وضعیت حقوقی استادان دانشکده ادبیات
۵۶۵ پیشنهادات دانشکده ادبیات در شورای دانشگاه

بخش دهم:

۵۷۱ تاریخ تفصیلی دانشکده علوم معقول و منقول در دوره اول تاریخ دانشگاه
۵۷۳ پیش زمینه‌های تاریخی
۵۷۸ مؤسسه و عظم و خطابه
۵۸۰ دیدار شاهزاده محمود خان از دانشکده علوم معقول و منقول
۵۸۱ نخستین امتحانات ورودی داوطلبان به دانشکده معقول و منقول
۵۸۲ نخستین گروه ممتحنین دانشکده علوم معقول و منقول
۵۸۳ اسامی نخستین گروه پذیرفته‌شدگان دانشکده علوم معقول و منقول
۵۸۶ نتایج نخستین پذیرفته‌شدگان امتحانات نهایی دانشکده در سال ۱۳۱۴-۱۳۱۵
۵۸۷ برگزاری امتحانات تجدیدی سال ۱۳۱۴-۱۳۱۵
۵۸۸ سیر برنامه‌ها و پروگرام‌های دانشکده معقول و منقول
۵۸۸ دستور تعلیمات دانشکده معقول و منقول (خرداد ماه ۱۳۱۳)
۵۹۰ نظامنامه اجراء ماده ۹ اساسنامه دانشکده معقول و منقول آبان ۱۳۱۴
۵۹۱ نخستین جلسه دفاع و رساله‌های تحصیلی دانشکده علوم معقول و منقول

۵۹۳	اساسنامه و دستور تحصیلات مؤسسه تکمیل وعظ و خطابه در سال ۱۳۱۴
۵۹۴	نظامنامه امتحان طلاب و تشخیص مدرسین معقول و منقول در سال ۱۳۱۴
۵۹۶	برنامه تفصیلی آزمایشی دروس دانشکده معقول و منقول در سال ۱۳۱۵
۶۰۰	اساسنامه تکمیلی مؤسسه وعظ و خطابه مصوب ۲ شهریور ۱۳۱۵
۶۰۲	نظامنامه تعیین وظایف محصلین دانشکده در تابستان (مصوب ۱۳۱۵)
۶۰۳	آیین نامه کمک خرج تحصیلی دانشجویان (مصوب ۱۳۱۷)
۶۰۵	تعطیل شدن دانشکده معقول و منقول
۶۰۶	آیین نامه انتقال دانشکده معقول و منقول به دانشکده های حقوق و ادبیات
۶۰۸	نمونه وضعیت حقوق یکی از استادان دانشکده از سال ۱۳۱۳-۱۳۱۸
۶۰۸	آمار فارغ التحصیلان دانشکده علوم معقول و منقول تا سال ۱۳۱۸ خورشیدی
۶۱۳	پیشنهادات دانشکده معقول و منقول در شورای دانشگاه

بخش یازدهم:

۶۱۷	تاریخ تفصیلی دانشکده طب در دوره اول تاریخ دانشگاه
۶۱۹	انتقال دانشکده طب به محل جدید
۶۲۱	تمایل ارتش به استخدام دانشجویان پزشکی
۶۲۲	تشکیل کمیسیون وضع لغات و اصطلاحات طبی
۶۲۳	پذیرفتن دختران و فارغ التحصیلان قابلیت برای تحصیل در دانشکده پزشکی
۶۲۳	اصلاح قانون دانشگاه و پیوستن بیمارستان ها به دانشگاه
۶۳۰	بیمارستان های وابسته به دانشگاه تهران در دوره اول::
۶۳۰	۱- بیمارستان امیراعلم
۶۳۰	۲- بیمارستان رازی
۶۳۱	۳- بیمارستان روزبه
۶۳۱	۴- بیمارستان زنان
۶۳۱	۵- بیمارستان سینا
۶۳۲	۶- بیمارستان فارابی
۶۳۲	۷- بیمارستان وزیری
۶۳۳	سیر پروگرام ها و آیین نامه ها و اساسنامه های دانشکده طب
۶۳۳	اساسنامه مدرسه طب (مصوب ۲۹ آذر ۱۳۰۶)

- ۶۳۸ پروگرام مدرسه عالی طب (مصوب ۲ مردادماه ۱۳۰۷).
- ۶۳۹ نظامنامه مدرسه طب و دواسازی (مصوب ۲۷ شهریور ۱۳۰۷).
- ۶۴۵ پروگرام مدرسه دندانسازی مصوب (۱۵ مرداد ۱۳۰۸).
- ۶۴۷ اساسنامه و دستور تحصیلات مدرسه دواسازی (مصوب مهرماه ۱۳۰۹).
- ۶۴۷ پروگرام مدرسه دواسازی
- ۶۴۷ پروگرام دوره عالی دواسازی.
- ۶۴۹ اساسنامه و دستور تحصیلات مدرسه عالی دندانسازی (مصوب مهرماه ۱۳۰۹).
- ۶۵۱ نخستین برنامه درسی تحصیلات دانشکده طب (اسفند ۱۳۱۱).
- ۶۵۳ نظامنامه شورای مدرسه طب و دواسازی و دندانسازی (مصوب دیماه ۱۳۱۲).
- ۶۵۴ نخستین نظامنامه دانشکده طب دانشگاه تهران
- ۶۵۴ اساسنامه دانشکده طب (مصوب ۱۶ مرداد ۱۳۱۳).
- ۶۶۰ اساسنامه جدید دانشکده طب (مصوب ۱۴ اسفند ۱۳۱۶).
- ۶۶۸ آئین نامه رسالات دکترا.
- ۶۶۹ آئین نامه دریافت دانشنامه
- ۶۶۹ آئین نامه جدید امتحان مسابقه ورودی دانشکده پزشکی (مصوب اسفند ۱۳۱۶).
- ۶۷۱ قانون خدمتگزاری پزشکان (مصوب هفتم مرداد ۱۳۱۸).
- ۶۷۴ اساسنامه شعبه داروسازی دانشکده پزشکی (مصوب ۱۱ شهریور ۱۳۱۸).
- ۶۷۷ اساسنامه شعبه دندانسازی دانشکده پزشکی (مصوب ۱۱ شهریور ۱۳۱۸).
- ۶۸۲ آخرین تغییرات در اساسنامه جدید دانشکده پزشکی در ۱۵ مهر ۱۳۱۸.
- ۶۸۳ تعیین کرسی‌های دانشکده پزشکی (مصوب ۲۵ دی‌ماه ۱۳۱۸).
- ۶۸۴ قانون اجازه استخدام پرفسور ابرلین به سمت ریاست دانشکده پزشکی
- ۶۸۵ مصوبات مجلس و آیین‌نامه‌های ویژه اعضای هیأت علمی دانشکده طب.
- ۶۸۷ آئین نامه کارآموزی دانشجویان داروسازی (مصوب فروردین ۱۳۱۹).
- ۶۹۸ آئین نامه انتخاب دستیاران (مصوب دیماه ۱۳۱۹).
- ۶۹۵ آیین‌نامه برگزیدن دانشیار دانشکده پزشکی (مصوب ۱۳۱۹/۱۲/۱۸).
- ۷۰۰ آیین‌نامه برگزیدن استاد برای اشغال کرسی در دانشکده پزشکی (۱۳۱۹).
- ۷۰۳ آئین نامه تخصص پزشکان (مصوب ۲۰ خرداد ۱۳۲۰).
- ۷۰۷ آیین‌نامه استخدام ماماها در سازمان دانشکده پزشکی (۱۳۲۱).
- ۷۰۸ آیین‌نامه سازمان عمومی دانشکده پزشکی (۱۳۲۱).

- ۷۳۰ اساسنامه و برنامه آموزشگاه امامی و پرستاری دانشکده پزشکی تهران
- ۷۳۱ قانون اجازه تجدیداستخدام آقای پرفسور شارل ابرلین
- ۷۳۲ رؤسای دانشکده پزشکی در دوره اول
- ۷۳۲ شرح درس (تشریح موضعی) رشته طب
- ۷۳۴ فارغ التحصیل های دانشکده پزشکی
- ۷۵۰ پیشنهادات دانشکده طب در شورای دانشگاه

بخش دوازدهم:

- ۷۶۱ تاریخ تفصیلی دانشکده حقوق علوم سیاسی و اقتصادی در دوره اول تاریخ دانشگاه
- ۷۶۳ ریشه ها و پیش زمینه ها
- ۷۶۶ پیوستن مدرسه حقوق و مدرسه علوم سیاسی به دانشگاه تهران
- ۷۶۷ رؤسای دانشکده حقوق و علوم سیاسی در دوره اول تاریخ دانشگاه
- ۷۶۹ هیأت مدیره دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- ۷۷۰ مخالفت استادان دانشکده حقوق با پوشیدن لباس متحدالشکل
- ۷۷۱ اسامی دانشجویان دانشکده حقوق از زمان الحاق به دانشگاه
- ۷۷۵ نتایج کلی نخستین امتحانات دانشکده حقوق (خرداد ۱۳۱۴)
- ۷۷۶ اسامی لیسانسیه ها و موضوع رساله ختم تحصیلی دانشکده حقوق (۱۳۱۴)
- ۷۷۷ امتحانات دانشکده حقوق و آمار کلی قبول شدگان و تجدیدی ها (۱۳۱۴-۱۳۱۵)
- ۷۷۸ نخستین انجمن دانشجویی: (جامعه محصلین)
- ۷۷۹ سیر پروگرام های مدرسه حقوق و علوم سیاسی
- ۷۸۰ اساسنامه مدرسه حقوق و سیاسی (مصوب ۱۵ شهریور ۱۳۰۶)
- ۷۸۳ اساسنامه مدرسه حقوق و مدرسه علوم سیاسی و اقتصادی (۱۳۰۷)
- ۷۸۷ اصلاح اساسنامه ۱۳۰۷ دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی (تیرماه ۱۳۱۳)
- ۷۹۲ نظامنامه پیشنهادی شورای دانشکده حقوق به شورای دانشگاه (۱۳۱۴)
- ۷۹۷ دستورالعمل های «رساله ختم تحصیل» در دانشکده حقوق
- ۷۹۸ اساسنامه جدید دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی (مصوب شهریور ۱۳۱۷)
- ۸۰۱ آیین نامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی (مصوب بهمن ۱۳۱۷)
- ۸۰۶ تغییرات در نظامنامه های مرتبط با مسایل دانشجویی تا سال ۱۳۲۱
- ۸۰۸ آیین نامه امتحانات دانشکده حقوق (مصوب ۲۸ آبان ۱۳۲۱)

۸۱۴	تغییرات و تفاوت‌های آیین‌نامه‌ها در سالهای مختلف
۸۱۵	نخستین دورهٔ دکترای رشتهٔ حقوق
۸۱۶	اسامی استادان و رشته تخصصی آنان در سال تحصیلی ۱۳۱۳-۱۳۱۴
۸۱۶	فهرست استادان دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی ۱۳۱۷-۱۳۱۸
۸۱۷	شرح درس (حقوق جزایی)
۸۱۹	نمونه‌ای از وضعیت حقوقی استادان دانشکدهٔ حقوق
۸۱۹	اسامی شاگردان فارغ‌التحصیل مدرسهٔ حقوق
۸۲۴	اسامی فارغ‌التحصیل‌های دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی و تجارت
۸۳۵	پیشنهادهای دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی در شورای دانشگاه

بخش سیزدهم:

۸۴۳	تاریخ تفصیلی دانشکدهٔ علوم در دورهٔ اول تاریخ دانشگاه
۸۴۵	پیش‌زمینه‌ها و تحولات:
۸۴۶	رؤسای دانشکدهٔ علوم در دورهٔ اول تاریخ دانشگاه
۸۴۶	نخستین برنامه‌های درسی و امور آموزشی دانشکدهٔ علوم
۸۴۸	برنامهٔ درسی شعبهٔ [رشته] علوم ریاضی و فیزیک و شیمی و علوم طبیعی
۸۵۱	نخستین دستورالعمل تحصیلات دانشکدهٔ علوم
۸۵۲	نخستین نظامنامهٔ امتحانات دانشکدهٔ علوم
۸۵۳	نمونه‌ای از نخستین برنامه‌های امتحانات دانشکدهٔ علوم
۸۵۵	نخستین گردش علمی دانشجویان دانشکدهٔ علوم
۸۵۵	تغییر نظام شهادت‌نامه به نظام کلاسی
۸۵۷	فهرست استادان دانشکدهٔ علوم در سال تحصیلی ۱۳۱۴
۸۵۸	فهرست استادان دانشکدهٔ علوم در سال ۱۳۱۷-۱۳۱۸
۸۵۹	اسامی فارغ‌التحصیلان دانشسرای عالی (شعبه علوم) در سال ۱۳۱۴
۸۶۷	نمونه‌ای از شرح درس‌های دانشکدهٔ علوم
۸۶۸	نمونه‌ای از وضعیت حقوق یکی از استادان دانشکدهٔ علوم
۸۶۹	پیشنهادهای دانشکدهٔ علوم در شورای دانشگاه

بخش چهاردهم:

- ۸۷۳ تاریخ تفصیلی دانشکده فنی در دوره اول تاریخ دانشگاه
- ۸۷۵ ریشه‌های تاریخی و تأسیس دانشکده
- ۸۸۰ افتتاح دانشکده فنی و جشن افتتاحیه در دارالفنون
- ۸۸۳ پذیرش اولین دوره دانشجو در دانشکده فنی
- ۸۸۴ کمبود دانشیار و آگهی دانشکده فنی برای استخدام دانشیار
- ۸۸۵ کثرت داوطلبان تحصیل در دانشکده فنی و نخستین مسابقه ورودی
- ۸۸۶ دیدار ولیعهد افغانستان از دانشکده فنی
- ۸۸۷ نظارت استادان دانشکده فنی بر بنای مدارس
- ۸۸۸ دانشکده فنی، کمبود فضا و مکان و نخستین اعتصاب دانشجویی
- ۸۸۹ روایتی دیگر از نخستین اعتصاب دانشجویی در دانشکده فنی
- ۸۹۱ گسترش تلاش‌ها برای خرید لابراتوار
- ۸۹۸ مسابقات فوتبال دانشجویی و اعضای تیم دانشکده فنی
- ۹۰۰ نخستین جویی دانشکده فنی
- ۹۰۰ نخستین دوره کارآموزی دانشکده فنی
- ۹۰۲ مراکز کارآموزی دانشجویان دانشکده فنی در دوره اول تاریخ دانشگاه
- ۹۰۳ مسافرت‌های علمی دانشجویان
- ۹۰۳ اعتراضات فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی به استخدام کارشناسان خارجی
- ۹۰۵ سیر پروگرام‌ها و اساسنامه‌ها و آیین‌نامه‌های دانشکده فنی
- ۹۰۵ اساسنامه مدرسه صنعتی دولتی (۱۵ دی ۱۳۰۳)
- ۹۰۶ پروگرام مدرسه صنعتی دولتی (۱۵ جدی ۱۳۰۳)
- ۹۰۸ پروگرام کلاس معاون مهندسی طرق و شوارع و ساختمان ابنیه (۱۳۰۶)
- ۹۱۳ پروگرام مدرسه صنعتی دولتی (مصوب ۸ آبان ۱۳۱۱)
- ۹۴۵ اساسنامه و دستور تحصیلات دانشکده فنی (مصوب ۱۳ شهریور ۱۳۱۳)
- ۹۵۴ نخستین آیین‌نامه امتحانات دانشکده فنی
- ۹۵۶ نخستین آیین‌نامه مقررات مربوط به کارگاه‌های آموزشی
- ۹۵۶ آیین‌نامه دخول دانشجویان دانشکده فنی به کارخانه
- ۹۶۱ آیین‌نامه‌های تفصیلی و آزمایشی دانشکده فنی (مصوب مورخ ۱۳۲۱/۹/۲۲)
- ۹۸۵ اسامی استادان و رشته تخصصی آنان در سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۵
- ۹۸۵ فهرست استادان دانشکده فنی ۱۳۱۷-۱۳۱۸

- اسامی نخستین گروه فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی ۹۸۷
- نمونه‌ای از شرح درس‌های دانشکده فنی ۹۸۹
- نمونه‌ای از وضعیت حقوق یکی از استادان دانشکده فنی ۹۹۳
- پیشنهادات دانشکده فنی در شورای دانشگاه ۹۹۳

بخش پانزدهم:

- تاریخ تفصیلی دانشکده کشاورزی ۱۰۰۳
- ریشه‌ها و زیرساخت‌ها (از مدرسه فلاحت مظفری تا مدرسه عالی فلاحت) ۱۰۰۵
- تأسیس مدرسه عالی فلاحت در ۲۶ آذر ۱۳۰۹ در قصر سلیمانیه کرج ۱۰۱۱
- تعداد محصلین و معلمان اولیه مدرسه عالی فلاحت ۱۰۱۳
- تشکیل بنگاه‌های علمی و فلاحتی کرج ۱۹۱۵
- تشکیل کلاس‌های آموزشی عمومی برای داوطلبان امور فلاحت ۱۰۱۶
- روابط و معاهدات مؤسسات علمی و فلاحتی کرج با اتحاد شوروی ۱۰۱۷
- قرارداد دفع آفات بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ۱۰۱۷
- قرارداد صحنه بیطاری بین ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ۱۰۱۹
- قرارداد مبارزه با ملخ در نواحی سرحدی ۱۰۲۷
- اسامی مدیران مدرسه، دبیرستان و مدرسه عالی فلاحت ۱۰۲۸
- رؤسای مدرسه فلاحت مظفری، ۱۰۲۹
- مدیران دبستان بزرگان: ۱۰۲۹
- رؤسای دبیرستان فلاحت: ۱۰۲۹
- رؤسای مدرسه عالی فلاحت: ۱۰۳۰
- قانون اجازه استخدام استادان خارجی ۱۰۳۱
- هیأت اداره کنندگان مؤسسات علمی و فلاحتی کرج ۱۰۳۲
- استادان و دبیران مؤسسات علمی و فلاحتی کرج (۱۳۱۵-۱۳۱۸) ۱۰۳۳
- صورت هزینه سال ۱۳۱۶ بنگاه‌های علمی و فلاحتی کشاورزی کرج ۱۰۳۷
- آزمایشگاه‌های بنگاه‌های علمی و فلاحتی کرج ۱۰۳۸
- رساله‌های فراغت از تحصیل دانشکده فلاحت ۱۰۳۸
- انجمن سالنامه بنگاه‌های علمی و فلاحتی کشاورزی کرج ۱۰۳۹
- روند و چگونگی تأسیس دانشکده کشاورزی ۱۰۴۰
- از دغدغه‌های دانشگاه تا مصوبه هیأت وزیران برای الحاق به دانشگاه ۱۰۴۳

- سیر پروگرام‌ها و اساسنامه‌ها و برنامه‌های مدارس فلاحت ۱۰۵۲
- اساسنامه و پروگرام مدرسه فلاحت (مصوب ۱ خرداد ۱۳۰۷) ۱۰۵۲
- پروگرام دروس مدرسه عالی فلاحت و صنایع روستایی ۱۰۵۴
- نخستین اساسنامه پیشنهادی برای تأسیس مدرسه عالی فلاحت ۱۰۶۳
- تصویب نخستین اساسنامه مدرسه عالی فلاحتی ۱۶ فروردین ۱۳۱۱ ۱۰۶۶
- اساسنامه و دستور تحصیلات دبیرستان فلاحت (۱۳ آذر ۱۳۱۳) ۱۰۷۲
- برنامه درسی مدرسه عالی فلاحت در سال تحصیلی ۱۳۱۵-۱۳۱۶ ۱۰۸۳
- اساسنامه دانشکده کشاورزی (مصوب ۱۳ بهمن ۱۳۱۹) ۱۰۸۴
- برنامه درسی و تحصیلات دانشکده کشاورزی ۱۰۸۷
- اسامی فارغ التحصیلان مدرسه عالی فلاحت ۱۰۹۸
- پیشنهادات دانشکده کشاورزی در شورای دانشگاه ۱۱۰۹

بخش شانزدهم:

- تاریخچه دانشکده دامپزشکی ۱۱۱۱
- پیشینه تاریخی ۱۱۱۳
- خرید احشام و اغنام استرالیایی برای تکثیر در دانشکده فلاحت ۱۱۱۶
- تلاش ارتش برای استخدام دانشجویان دامپزشکی ۱۱۱۷
- دانشکده دامپزشکی و سیر الحاق آن به دانشگاه تهران ۱۱۱۸
- سیر پروگرام‌ها و نظامنامه‌های دانشکده دامپزشکی ۱۱۲۲
- اساسنامه مدرسه عالی بیطاری (دانشکده دامپزشکی) در سال ۱۳۱۳ ۱۱۲۳
- اساسنامه و برنامه تحصیلات آموزشگاه دامپزشکی در سال ۱۳۱۷ ۱۱۲۶
- اساسنامه دانشکده دامپزشکی (مصوب ۱۳۱۹) ۱۱۳۰
- دانشنامه دانشکده دامپزشکی (مصوب ۱۳۱۹) ۱۱۳۱
- برنامه تحصیلات دانشکده دامپزشکی (مصوب ۱۳۱۹) ۱۱۳۲
- امتحانات دانشکده دامپزشکی (مصوب ۱۳۱۹) ۱۱۳۵
- طرح پیشنهادی آیین‌نامه گذرانیدن پایان‌نامه دامپزشکی (۱۳۱۹) ۱۱۳۷
- استادان و دبیران آموزشگاه دامپزشکی در سال تحصیلی ۱۳۱۶-۱۳۱۷ ۱۱۳۸
- اسامی نخستین فارغ التحصیلان دانشکده دامپزشکی (۱۳۱۹-۱۳۱۶) ۱۱۳۹
- پیشنهادات دانشکده دامپزشکی در شورای دانشگاه ۱۱۴۱

بخش هفدهم:

- ۱۱۴۳ تاریخچه تفصیلی دانشکده دانشکده هنرهای زیبا
- ۱۱۴۵ پیشینه تاریخی
- ۱۱۴۸ آیین‌نامه تأسیس دانشکده هنرهای زیبا مصوب ۹ شهریور ۱۳۱۹
- ۱۱۴۹ تغییر نام دانشکده هنرهای زیبا به هنرکده
- ۱۱۵۰ نخستین استادان دانشکده هنرهای زیبا
- ۱۱۵۰ سیر پروگرام‌ها مدارس هنری از آغاز تا اساسنامه دانشکده هنرهای زیبا
- ۱۱۵۱ پروگرام مدرسه موسیقی شهنازی مصوب سوم دی‌ماه ۱۳۰۸
- ۱۱۵۳ اساسنامه و نظامنامه و دستور تحصیلات هنرستان موسیقی (تیرماه ۱۳۱۳)
- ۱۱۵۸ اساسنامه و برنامه هنرستان موسیقی (مصوب ۱۵ دی ۱۳۱۵)
- ۱۱۶۳ شعبه مخصوص تحصیل موسیقی نظام در هنرستان موسیقی
- ۱۱۶۵ مقررات و برنامه شعبه مخصوص تحصیل موسیقی نظام در هنرستان موسیقی
- ۱۱۶۸ اساسنامه و برنامه هنرستان عالی هنرهای زیبا (مصوب ۴ دی‌ماه ۱۳۱۸)
- ۱۱۸۵ اساسنامه و برنامه هنرستان موسیقی (مصوب ۲۵ آذر ۱۳۲۰)
- ۱۱۹۳ نخستین اساسنامه دانشکده هنرهای زیبا (۱۳۱۹)
- ۱۱۹۴ نگاهی به کلیات اساسنامه نه ماده‌ای دانشکده هنرهای زیبا
- ۱۱۹۵ اساسنامه دانشکده هنرهای زیبا (مصوب ۹ شهریور ۱۳۱۹)
- ۱۱۹۶ آیین‌نامه موقتی دانشکده هنرهای زیبا برای سال تحصیلی ۱۳۱۹-۱۳۲۰
- ۱۱۹۸ آیین‌نامه امتحان ورودی دانشکده هنرهای زیبا (۱۳۲۰-۱۳۱۹)
- ۱۱۲۰۰ آئین‌نامه داخلی دانشکده هنرهای زیبا (۱۳۲۰-۱۳۱۹)
- ۱۲۰۲ نخستین نظام آموزشی «پاداش» در دانشگاه تهران
- ۱۲۰۴ نخستین فهرست مواد درسی و والور هر کدام
- ۱۲۰۶ اساسنامه هنرکده (مصوب سوم مهرماه ۱۳۲۲)
- ۱۲۰۸ نمونه‌ای از وضعیت حقوق یکی از استادان دانشکده
- ۱۲۰۸ پیشنهادات دانشکده هنرهای زیبا در شورای دانشگاه
- ۱۲۱۰ کتابنامه
- ۱۲۲۳ نمایه

■ مقدمه ریاست دانشگاه تهران

پس از دارالفنون که بی‌شک اولین «اونیورسیتته» تاریخ ایران بود که به همت میرزا تقی‌خان امیرکبیر پایه‌گذاری شد، در تاریخ ایران زمین هیچ مؤسسه و نهاد فرهنگی و آموزشی را سراغ نداریم که توانسته باشد همانند دانشگاه تهران، افزون بر انجام رسالت اصلی خود، یعنی تربیت و تعلیم جوانان کشور و گسترش علم و دانش در میان آنان، در متن حیات سیاسی و فرهنگی و اعتقادی و ایدئولوژیک جامعه ایران نیز نقشی تا به این اندازه فعال و ماندگار و تاریخ ساز ایفا کرده باشد.

دانشگاه تهران که در هفتاد سالگی خود نیز هم‌چنان با پویایی و نشاط تمام در عرصه آموزش عالی، پیشگام و پیشتاز و بالنده است، چه در دوره اول حیات خود که با جانمایه‌ای از میراث دارالفنون و ترکیب و تجمیع مدارس عالی عصر مشروطه پدید آمد و چه در ادوار بعدی زندگی خویش که به تدریج دانشگاه‌های جدیدی در کنار آن پدید آمدند، همواره در نظام آموزش عالی کشور مقام نخست علمی خود را حفظ کرده و توانسته با تقدیم هزاران دانش‌آموخته در سطوح مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی به جامعه، در پهنه جهانی نیز اعتباری برجسته و ممتاز کسب کند و همچنان به عنوان معتبرترین دانشگاه ایران «نماد آموزش عالی کشور» محسوب شود.

دانش‌آموختگان دانشگاه تهران به عنوان جلوه‌ای از آثار و ثمره وجود این دانشگاه، نه تنها طی هفتاد سال گذشته، شالوده و زیرساخت گسترش و توسعه و تعمیق آموزش متوسطه کشور شده‌اند، بلکه شمار زیادی از آنان نیز در تمهید مقدمات حیات دیگر دانشگاه‌های کشور و ایجاد آنها، نقشی انکارناپذیر ایفا کرده‌اند. به همین دلیل است که چون غالب دانشگاه‌های کشور در واقع تداوم وجود و بسط گوهر هستی دانشگاه تهران بوده‌اند، این دانشگاه، به درستی «دانشگاه مادر» لقب گرفته است.

دانشگاه تهران افزون بر تربیت هزاران دبیر، مهندس، پزشک، داروساز، دامپزشک، معمار، هنرمند، اقتصاددان، مورخ، جامعه‌شناس، سیاستمدار و حقوق‌دان که می‌توان امتداد هستی و حیات آنان را به وضوح در پهنه مدارس و دانشگاه‌های کشور و عرصه‌های فرهنگی، تمدنی و علمی اقصی نقاط ایران مشاهده کرد، طی زندگی هفتاد ساله خود هزاران عالم و استاد صاحب

نام و صاحب کرسی را به کشورهای پیشرفته نیز تقدیم کرد، است. حتی با تأملی اندک در نام و نشان استادان دانشگاه‌های خارجی هم می‌توان به بسط حیات و هستی و نقش دانشگاه تهران در جامعه علمی جهانی و مشارکت تربیت یافتگان آن در خدمت به ساحت علم و دانش در عرصه بین‌المللی پی برد.

تألیف و نشر هزاران کتاب و مقاله علمی و برگزاری صدها سمینار و کنفرانس داخلی و بین‌المللی، ثبت اکتشافات و اختراعات چشمگیر در رشته‌های دانشگاهی و ایجاد مراکز گوناگون علمی و پژوهشی و درمانی، از جمله احداث و توسعه بیمارستان‌های تخصصی و فوق تخصصی، راه‌اندازی مؤسسه ژئوفیزیک و پایش زلزله‌های کشور، تأسیس و راه‌اندازی ده‌ها مؤسسه و مرکز مطالعاتی گوناگون دیگر که پس از انقلاب اسلامی با جهش تمام رشد و توسعه یافته و هر کدام به سهم خود منشأ خدمات فراوان و اعتلای علمی جامعه ایران شده‌اند، بخش دیگری از آثار و ثمره‌های حیات دانشگاه تهران و امتداد هستی آن در عرصه زندگی جامعه ایران است. بی‌شک تمام این آثار و ثمره‌ها در پرتو عشق و اعتقاد دانشگاهیان به شکوفایی علمی کشور و بنای میهنی پیشرفته و آباد و تلاش برای تجدید عصرزین فرهنگ و تمدن ایران اسلامی صورت گرفته است.

اشاره شد که دانشگاه تهران و دانشجویان این دانشگاه، همواره در کنار رسالت اصلی خویش مبنی بر آموزش و توسعه علمی کشور در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی و اعتقادی ایران زمین نیز نقشی برجسته و مستمر داشته‌اند. اگر از هفت سال حیات اولیه دانشگاه تهران که در عصر اختناق شدید کشور سپری شد، صرف نظر کنیم، می‌توان به وضوح ملاحظه کرد که از شهریور ۱۳۲۰ تا زمان حاضر، دانشگاه تهران عمده‌ترین مرکز تولید اندیشه و برنامه‌های سیاسی، به خصوص پیشگام و پیشاهنگ مقابله و مقاومت در برابر استبداد و استعمار و رکن مهم انتقال آگاهی و معرفت سیاسی به متن جامعه ایران بوده است.

پس از اشغال ایران توسط متفقین و تبعید رضاشاه به جزیره موریس، در حالی که سیاست کشورهای اشغالگر، حفظ سلطنت بود، میان آنان در صحنه سیاسی ایران رقابتی آشکار و پنهان نیز جریان یافت. این در حالی بود که دربار پهلوی نیز تلاش می‌کرد تا از راه تعمیق روابط خود با انگلیسی‌ها، به تجدید اقتدار خود مبادرت کند. پس از سقوط دولت فروغی که به نظر می‌رسید بیشتر برای حفظ سلطنت و تثبیت مجلس سیزدهم (یعنی مجلسی که نمایندگان آن در دوره استبداد رضاشاهی و با همراهی سفارت بریتانیا انتخاب شده بودند) برگزیده شد فرصتی برای شکل‌گیری کابینه قوام السلطنه که به استقلال رأی در مقابل دربار شهرت داشت، پدید آمد. در آذر

۱۳۲۱ چون مخالفت دربار و انگلیسی‌ها با قوام‌السلطنه شدت یافت و در نهایت به واقعه ۱۷ آذر ۱۳۲۱ منجر شد، نخستین زمینه برای حضور و واکنش دانشگاه و دانشجویان و برخی استادان دانشگاهی در سیاست کشور فراهم شد. دانشجویان در حالی که از سوی اداره آگاهی و شهربانی تحت فشار و تهدید قرار داشتند، با مشارکت فعال در متینگ میدان بهارستان به مخالفت گسترده و چشمگیر با دربار و حامیان خارجی آن پرداختند.

حضور دانشجویان و دانشگاهیان در میدان بهارستان حداقل دو نتیجه بسیار مهم را به دنبال داشت:

نخست: گسترش و تعمیق خودآگاهی سیاسی در درون جامعه دانشگاهی و وقوف دانشگاهیان به ویژه دانشجویان، از قابلیت‌های سیاسی و اجتماعی خود برای اثرگذاری در مسیر تحولات سیاسی؛

دوم: وقوف دستگاه حاکمیت بر این قابلیت و برنامه ریزی برای نفوذ و مهار دانشگاه و دانشگاهیان.

در بهمن ۱۳۲۷، در شرایطی که دربار توانسته بود از راه توافق‌های جدی با دولت انگلیس زمینه بیشتری برای تجدید اقتدار خود فراهم کند، شاه کوشید تا با حضور در دانشگاه و سخنرانی در دانشکده حقوق، بستر نفوذ خود در دانشگاه و پیوند با فرهیختگان دانشگاهی را فراهم کند. ترور نا فرجام او در دانشکده حقوق، اجرای این سیاست را چندین سال به عقب انداخت.

پس از شکل‌گیری نهضت ملی شدن صنعت نفت، دانشگاه تهران به راستی به یکی از مهمترین سنگرهای مقاومت در برابر مطامع استعماری تبدیل شد و توانست نقشی بسیار مؤثر در استمرار تلاش‌های دولت ملی ایفا کند. نگرانی از همین تلاش‌ها و قابلیت‌های جامعه دانشگاهی در تغییر روند تصمیم‌گیری‌ها بود که موجب شد تا پس از تشکیل کابینه رزم آرا، وی به شدت خواستار واکنش شدید و کنترل نظامی دانشگاه شده و در این زمینه نامه‌های اعتراض‌آمیز متعددی به دانشگاه ارسال دارد و مقدمات اعمال سیاست‌های پلیسی در دانشگاه را که سال‌ها بعد با تشکیل ساواک به نتیجه رسید، فراهم کند.

پس از نهضت ملی شدن صنعت نفت، واکنش فعال استادان و دانشجویان متعهد و وفادار به نهضت ملی، علیه کودتای ۲۸ مرداد و همراهی وسیع آنان با نهضت مقاومت ملی، نقطه عطف دیگری در حیات سیاسی دانشگاه و حضوری مؤثر علیه سیاست تجدید دیکتاتوری و از میان رفتن استقلال کشور برد.

کوتاه زمانی پس از کودتا، در حالی که از سوی دربار و دولت کودتا، افزون بر نفوذ انگلستان، زمینه حضور و نفوذ آمریکایی‌ها در ایران نیز فراهم شده و غالب رهبران ملی از هرگونه اقدام و واکنش درمانده و آشکار و پنهان در اندیشه زد و بندهای سیاسی بودند، دانشجویان دانشگاه با پیشاهنگی دانشجویان دانشکده فنی، فضای سیاسی آکنده از رعب، هراس، تسلیم و سکوت را شکستند و سفر ریچارد نیکسون، معاون رئیس جمهور وقت آمریکا را به شدت محکوم کردند. این اقدام که واکنش شدید رژیم پهلوی را در پی داشت و به شهادت سه تن از دانشجویان دانشکده فنی در ۱۶ آذر ۱۳۳۳ منجرند، دانشگاه تهران را برای همیشه به مهم‌ترین و مقتدرترین سنگر مقاومت در برابر دستگاه سلطنت و ادامه مشی وابستگی کشور به بیگانه تبدیل کرد.

از این زمان به بعد بود که دانشگاه تهران، یا به طور مستمر و مداوم، عمده‌ترین الهام بخش حرکت‌های برون دانشگاهی و پرورش دهنده و تغذیه کننده فکری و فرهنگی نیروهای اجتماعی در مسیر مبارزات مردم علیه استبداد و سیاست‌های استعماری شد، یا آن‌که در همراهی با مبارزاتی که کانون آن در بیرون دانشگاه قرار داشت، همواره نقش پیشاهنگ و امید بخش را ایفا کرد.

جایگاه محوری دانشگاه در عرصه مبارزات سیاسی برای امحای استبداد و تأمین استقلال کشور از دهه سی به بعد موجب شد تا دانشگاه علاوه بر ویژگی تولید اندیشه مقاومت و انتقال آن به جامعه، به تدریج، از راه ایجاد انجمن‌ها و سازمان‌های سیاسی دانشجویی، به کانون عمده مباحث اعتقادی و فلسفه سیاسی و اجتماعی تبدیل شده و توجه جدی‌تر رهبران سیاسی و مذهبی را به سوی خود جلب کند. از این زمان به بعد علاوه بر آن‌که ابعاد تظاهرات دانشجویی در پردیس مرکزی دانشگاه افزایش یافت، هر یک از گوشه و کنارهای دانشکده‌ها نیز تبدیل به محل نصب و نشر جزوات فکری و اعتقادی و آموزش قواعد مبارزه علیه رژیم شد.

شایان توجه است که در مسیر اعتلای ایدئولوژی اسلامی، مسجد دانشگاه هم با وجود کنترل شدید آن، به تدریج تبدیل به کانونی شد که از یک سو دانشجویان مسلمان مبارز را در صفوف نماز جماعت خود بایکدیگر الفت و ارتباط بیشتری می‌بخشید و از سوی دیگر، شماری از نخبگان مذهبی را برای ترویج و تعمیق باورهای دینی و ایدئولوژیک در میان دانشجویان، به امامت جماعت در مسجد دانشگاه با سخنرانی در اجتماعات دانشجویی جلب می‌کرد. استاد شهید مرتضی مطهری از جمله فرزندان دینی بود که در کنار حضور تأثیرگذار در دانشکده الهیات مدتی امامت جماعت مسجد دانشگاه را نیز عهده‌دار شد.

بدیهی است با گسترش روند فعالیت‌های سیاسی و اعتقادی در دانشگاه، به‌ویژه پس از قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲ که دانشجویان دانشگاه تهران، در جریان این قیام تاریخی، هم‌نقشی فعال ایفا کردند، هم به پی‌گیری آرمان‌های امام خمینی (ره) در دههٔ چهل پرداختند، دستگاه سلطنت نیز کوشید تا از راه کنترل پلیسی دانشگاه که سرانجام به تشکیل گارد دانشگاه منتهی شد، همچنین با انتصاب رؤسای مطیع برای دانشگاه و دانشکده‌ها و ایجاد اتحادیهٔ دانشجویان وابسته به رژیم و تشدید نظارت ساواک، به کنترل هر چه بیشتر دانشگاه و دانشجویان مبادرت کند.

چنین سیاستی نه تنها مؤثر واقع نشد، بلکه سرکوب‌های نظامی دانشجویان که گاه به درون کلاس‌های درس و ضرب و شتم برخی از استادان نیز تسری می‌یافت، موجب استحکام بیشتر جنبش دانشجویی و تبدیل هر چه بیشتر دانشگاه به کانون اصلی مبارزه علیه رژیم شد؛ این در حالی بود که سیاست رژیم برای کم‌رنگ کردن جایگاه دانشگاه تهران از راه ایجاد دانشگاه ملی، دانشگاه پهلوی شیراز و دانشگاه صنعتی آریامهر نیز نتیجهٔ مثبتی به دنبال نیاورد و این دانشگاه‌ها نیز به تدریج با تاسی به دانشگاه تهران، تبدیل به کانون‌های مقاومت علیه نظام سلطنتی شدند. در دههٔ پنجاه و در آستانهٔ شکل‌گیری انقلاب اسلامی، در شرایطی که مبارزهٔ سیاسی و تلاش‌های فکری و اعتقادی برای تکامل ایدئولوژی و اصول آرمانی نهضت ضد استبدادی و ضد استعماری در دیگر دانشگاه‌های کشور و تعدادی از مساجد بزرگ تهران نیز بسط می‌یافت، دانشگاه تهران به دلیل آن که حداقل چهاردههٔ تمام، به شکلی توأمان عرصهٔ اصلی گسترش علم و آموزش و تربیت جوانان کشور و عمده‌ترین صحنه و مرکز ثقل مبارزهٔ سیاسی بود، باز هم تبدیل به کانون اصلی نهضت اسلامی شد.

اجتماع میلیونی مردم تهران در آستانهٔ پیروزی انقلاب اسلامی و عزیمت همه روزهٔ آنان از پیر و جوان، زن و مرد و دختر و پسر دانش‌آموز و دانشجو به سوی دانشگاه و حلقه زدن در درون و بیرون پردیس مرکزی و توقف آنان از پگاه تا غروب آفتاب در دانشگاه و اطراف آن، همچنین تحسن تعداد زیادی از نخبگان و رهبران سیاسی و مذهبی در مسجد دانشگاه، خاطراتی فراموش نشدنی و تاریخی به یادماندنی از جایگاه محوری دانشگاه در ایجاد و گسترش انقلاب اسلامی است. به همین دلیل نیز بود که خیابان جنوبی دانشگاه، خیابان «انقلاب اسلامی» نام گرفت. نقش برجسته‌ای که دانشگاه در ایام سرنگونی رژیم پهلوی ایفا کرد؛ دلبستگی‌هایی که عامهٔ مردم از هر قشر و طبقه به پردیس مرکزی پیدا کرده بودند و به دانشگاه به عنوان یکی از

عمده‌ترین کانون‌های علم و سیاست و تدبیر و برنامه ریزی و خاطرات ایام مبارزه می‌نگریستند، سبب شد تا پس از احیای سنت نماز جمعه؛ نمازی که گوهر و بن مایه‌ای سیاسی - عبادی داشت و خداوند علیم و حکیم در همان آغاز سوره‌الجمعه، فلسفه بعثت را تحقق و تجلی تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت می‌شمرد و علم را با عمل پیوند می‌زد، نه باری بر دوش حاملان آن، مرکز اقامه آن در دانشگاه قرارگیرد.

در شهریور سال ۱۳۵۹، هنوز نهال انقلاب اسلامی به ثمر ننشسته بود که حکومت بعثی عراق به ایران زمین یورش برد و جنگی هشت ساله را به مردمی که هنوز طعم کامل آزادی و رهایی از سلطه استبداد و استعمار نچشیده بودند، تحمیل کرد. در این شرایط، ایام و زمانه عمل به وظایف و استفاده از آموخته‌های علمی فرارسیده بود. با شعله ور شدن شراره‌های جنگ و گسترش ابعاد تجاوز قوای بعثی به جان و مال و عرض و ناموس هموطنان شهرهای مرزی، دانشجویان دانشگاه‌ها و در رأس آنان دانشجویان دانشگاه تهران، از هر رشته و دانشکده به سوی جبهه‌های نبرد شتافتند تا این بار نیز در کنار مردمی که با تمام ایمان خود به دفاع از ارزش‌ها و سرزمین خود پرداخته بودند، قرار گیرند و بیش از ۴۰۰ شهید به ایران اسلامی تقدیم کنند.

در باب نقشی که دانشگاه تهران و دانشجویان آن در ابعاد مختلف، چه به شکل حضور در خطوط مقدم رزم، چه در زمینه‌های عدیده پشتیبانی علوم و فنون دفاعی و مهندسی و پزشکی داشتند، به ویژه نقشی که جهاد دانشگاهی، در تأمین و تدارک نیازهای دفاعی به کار گرفت، جای تفصیل در این مقدمه کوتاه نیست و در محل مناسب تاریخ دانشگاه به آنان و زندگینامه ایشان، پرداخته خواهد شد.

کوتاه سخن و کلام آخر این‌که: دانشگاه تهران به این سبب که در پهنه حیات هفتاد ساله خود، افزون بر نقشی که در جامعه ایران در بسط علوم و فنون و اندیشه و حکمت و تعلیم و تعلم ایفا کرده و نخستین مهد پرورش بسیاری از نخبگان علمی ایران زمین و شالوده تولد دیگر دانشگاه‌های کشور و کانون عمده تکوین تحولات فکری و اجتماعی ایران بوده، هم خود بخش مهمی از تاریخ آموزش عالی در ایران است، هم حاوی هفتاد سال از عمده‌ترین حوادث تاریخ سیاسی و فکری تاریخ معاصر ایران. بنابراین شایسته بود تا اقدامی علمی برای نگارش تاریخ دانشگاه صورت گیرد، بنابراین از اواسط سال ۱۳۸۲ طرح پژوهش به منظور تدوین تاریخ دانشگاه تهران توسط حوزه پژوهش دانشگاه تصویب و اجرای آن به دانشمند ارجمند جناب آقای دکتر زرگری‌نژاد که اینک مدیریت گروه تاریخ دانشگاه را بر عهده دارند، واگذار شد.

براساس طرح مصوب، قرار است تا این تاریخ در قالب مجموعه‌ای ده‌جلدی به تاریخ

دانشگاه تهران در تمام ابعاد آن بپردازد. جلد نخست این مجموعه که حاوی تاریخ دانشگاه در دوره اول حیات آن (تا سال ۱۳۲۲) خواهد بود، اکنون آماده چاپ و نشر شده است. ضمن تقدیر و تشکر از کار ارزشمند جناب آقای دکتر زرگری نژاد (مجری طرح) و همکارانشان در تدوین تاریخ دانشگاه تهران، امید است که ایشان مجلدات بعدی را نیز با دقت و حوصله علمی آماده انتشار کرده و تاریخی شایسته و کامل از نخستین دانشگاه ایران ارائه کنند. از خداوند متعال برای تمامی دست‌اندرکاران تدوین و انتشار این مجموعه مهم آرزوی سلامت و توفیق دارم.

رضا فرجی دانا

۱۰ شهریور ۱۳۸۴



■ مقدمه معاون محترم پژوهشی دانشگاه تهران

اندیشه ایجاد مرکزی برای آموزش عالی در ایران و به تعبیری دیگر دانشگاه، نخستین بار با تاسیس دارالفنون در ۱۲۳۰ خورشیدی به همت میرزا تقی‌خان امیرکبیر تحقق یافت. دارالفنون گرچه توسعه نیافت، اما تجربه مغتنمی پیش روی کسانی که آرزوی آشنایی ایرانیان با دانش‌های جدید و پیشرفت‌های اروپائیان در صنعت، اقتصاد، سیاست، بهداشت و کشاورزی قرار داد. با عطف به این تجربه لایحه تاسیس دانشگاه تهران تهیه و به مجلس شورای ملی تقدیم شد. این لایحه در هشتم خرداد ۱۳۱۳ از تصویب مجلس شورا گذشت و در ۲۵ اسفند همان سال دانشگاه تهران رسماً افتتاح گردید. تاسیس دانشگاه تهران که با آغاز آشنایی جدی ایرانیان با مغرب زمین مقارن شده بود این دانشگاه را بستر اصلی ارتباط با تمدن جدید، مبدل کرده است. در میان نهادهای علمی- فرهنگی- آموزشی متعدد کشور، دانشگاه تهران بی‌تردید از جایگاهی یگانه و ممتاز و اعتباری والا برخوردار است. این اعتبار و منزلت به علت ویژگی‌های دانشگاه و نیز تعامل گسترده و پیوسته آن با جامعه و ارکان اثر گذار بر آن رو به افزایش دارد.

از تاسیس دانشگاه تهران بیش از ۷۰ (هشتاد) سال می‌گذرد، مروری بر کارنامه این کهن‌ترین نهاد نوین آموزشی در ایران، نشان می‌دهد که این مرکز سترگ علمی در طول تاریخ پرافتخار خود نقش و سهم بزرگی در توسعه همه جانبه کشور ایفا نموده است. نگاهی به آمار صدها هزار نفری دانش‌آموختگان دانشگاه که از استعدادهای درخشان کشور بوده و پس از فراغت از تحصیل نیز هر کدام مصدر کاری و مبدا تحولی در تاریخ معاصر ایران بوده‌اند، گواه این مدعاست. تاکنون نخبه‌ترین استعدادهای کشور توانسته‌اند در رقابتی سراسری به دانشگاه راه یابند. اینان در پی آشنایی با دستاوردهای دانش نوین بشری و با تکیه بر هوشمندی و خلاقیت خویش در کار گشودن راه‌های تازه و چشم‌اندازهای امید آفرین برای هم‌میهنان خود بوده‌اند و همچنان در راه پیشرفت روز افزون کشور در عرصه‌های فنی، تجربی، اقتصادی، اجتماعی و ... می‌کوشند. دانشگاه با تکیه بر این سرمایه‌های عظیم فکری، در طول حیات پر ثمر خود با تربیت افراد متخصص و با انجام طرح‌های پژوهشی و پروژه‌های مختلف علمی و با لمال با تقویت مبانی و بنیادهای علمی سازمان‌های اداری و اجرایی کشور، گام‌های بلندی در راه

سربلندی و توسعه علمی و پژوهشی ایران برداشته است. نام دانشگاه تهران برای همه ما چیزی بیش از یک دانشگاه است. این نام برای اقشار مختلف ملت ما یادآور خاطره‌های عمیق و برجان نشست است. این دانشگاه از سبقه علمی کشور و تلاش هزاران استاد و دانشجویی نشان دارد که به شوق ساختن آینده‌ای بهتر برای کشور، دانشگاه را از لطف وجود خود بهره‌مند کرده و به محیط آن جلوه‌ای خاص بخشیده‌اند. تاثیر دانشگاه تهران در جریان‌های علمی کشور، تولید علم، تربیت نسل آگاه و تحصیل کرده جامعه و کمک به توسعه و پیشرفت کشور، انکارناپذیر است. در این دانشگاه، نام استادان پرآوازه‌ای می‌درخشد که در تاریخ ایران، در شمار افتخارات کشور باقی خواهد ماند. استادانی که آوازه آنان حتی از مرزهای کشور فراتر رفته و عرصه بین‌المللی علم و تحقیق را به تحسین آنان واداشته است. از سویی دیگر دانشگاه تهران نامی آشنا در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است.

دانشگاهیان آگاه، سرشار از شور جوانی و شوق بیدارگری و اصلاح طلبی، با درک مسئولیت تاریخی خود هم در آگاه کردن آحاد مردم سعی بلیغ کرده و هم در مسیر حرکت‌های اجتماعی و سیاسی جامعه پیشتانزانه گام برداشته‌اند، لذا بسیاری از تحولات دهه‌های اخیر کشور مستقیم یا غیر مستقیم با نام این دانشگاه پیوند خورده است. پیشتازی دانشگاهیان دانشگاه تهران در مبارزات انقلاب اسلامی، پرچمداری در دوران هشت سال دفاع مقدس، عرصه‌های سازندگی و حضور فهیمانه استادان و دانشجویان در صحنه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور، از جمله ارزش‌هایی است که بر قدر، مرتبه و جایگاه این دانشگاه به عنوان یک کانون جامع علم و فرهنگ و سیاست می‌افزاید.

پدیده‌ها از تاریخ و گذشته خویش متاثرند. کاستی و نارسایی، توانایی و نیرومندی، تلخ و شیرین و خوب و بد هر پدیده در هر لحظه برآیند سرنوشت آن در پویش تاریخی خود است. آموزش عالی نیز از این قاعده بیرون نیست. اکنون آموزش عالی کشور در نقطه فعلی قرار گرفته و از سطح توسعه آن تعبیرهای مختلف می‌شود. بخش مهمی از وضعیت آن را تاریخ دانشگاه تهران رقم زده است. متاسفانه درباره تاریخ تحولات دانشگاه اطلاعات و منابع اندک است و تحلیل روندهای آن نیز عموماً با دیدگاه‌های خاص انجام شده است. کتاب حاضر که به مناسبت سالگرد هفتادمین سال تاسیس دانشگاه در قالب یک طرح پژوهشی جامع، تحت عنوان تاریخ دانشگاه تهران به سرپرستی آقای دکتر زرگری‌نژاد عضو محترم هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه و همکاران محترمشان در هفتادمین سالگرد تاسیس دانشگاه به انجام رسیده است، در پی ارائه کارنامه مستند این دانشگاه بدانگونه که بوده است، سعی در به تصویر کشیدن زحمات و تلاش‌هایی دارد که هزاران استاد و دانشجو و مدیران و کارکنان آن در طول ۷۰ سال گذشته در آن سهمی داشته‌اند.

اطلاعات مستند این کتاب می‌تواند پایه و مبنای محکمی در تحلیل‌های مربوط به سیر تحولات دانشگاه تهران و نقش آن در توسعه آموزش عالی و ایجاد سایر دانشگاه‌های کشور و عملکردهای مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور باشد.

بدون شک امروزه در دورانی که به عنوان سازندگی نامگذاری شده است، برای توسعه همه جانبه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در شرایط حساسی به سر می‌بریم که سرنوشت سازترین دوره برای کشور ما است. در این خصوص دانشگاه‌ها و موسسات علمی رسالت سنگینی به عهده دارند. امیدواریم دانشگاه تهران، مادر دانشگاه‌ها، آن چنانکه شایسته نام و سابقه آن است، در آینده نیز از توفیقات بیشتری برخوردار شود و با اتکا به الطاف الهی نقش پیشتاز خود را در تولید دانش و رفع نیازهای جامعه و توسعه علمی، اجتماعی، فرهنگی و سازندگی کشور به خوبی ایفا کند.

محمد رحیمیان

معاون پژوهشی دانشگاه تهران



مقدمه دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران برای آموختن هیچگاه دیر نیست

همکاران محترم ما، در گروه تاریخ، بالاخره توفیق یافتند برای دانشگاه تهران تاریخی بنویسند که نسل نو انقلاب ایران را از گذشته این مؤسسه خوش نهاد ایرانی آگاه کرده باشند. از قدیم گفته‌اند «پای چراغ تاریک است». آن لاله‌ها و چراغ نفتی‌ها و فانوس‌ها و لامپ‌های دو فتیله، همه اطاق و همه‌جا را روشن می‌کرد - جز پای خودش را - که همیشه یک دایره تاریک از سیاهی پایه خودش بر روی قالی و فرش اطاق نقش می‌بست. نظامی گنجوی درباره سایه پایه چراغ گوید:

نگر به سایه، آن‌گهی که خیمه زند درون سایه، یکی خیمه‌ایست نورافکن
اهل تاریخ ایران، و دانشگاه به‌ویژه، برای همه‌جا و همه‌کس تاریخ نوشته‌اند، از قدیم نوشته‌اند، از قرون وسطی یاد کرده‌اند، دنیا را به پیش از تاریخ و بعد از تاریخ تقسیم کرده‌اند، ایران را به پیش از اسلام و بعد از اسلام شناخته‌اند، از ساسانی حرف زده‌اند تا به سامانی رسیده‌اند، از پرویز تا چنگیز نوشته‌اند، از مشروعه شروع کرده تا به مشروطه رسیده‌اند - اما اینکه چه کسانی در خود این مؤسسه تعلیم یافته و در این مراتب قدم و قلم زده‌اند کمتر مورد نظر آنان بوده است. این که به جای خود، گروه تاریخ و مؤسسه تاریخ در دانشکده ادبیات تهران، یکی از کوچکترین شعبه‌های مؤسسه عظیم دانشگاه تهران است؛ دو سه اطاق از مجموع چندصد اطاق دانشکده ادبیات و یک کریدور از مجموع چندصد کریدور تأسیسات دانشگاه تهران. با همه اینها، وظیفه این مؤسسه کوچک برای نگارش تاریخ دانشگاه تهران، وظیفه‌ای بزرگ و مهم بود که سال‌ها به بوتۀ فراموشی گذاشته شد.

اثر مستقیم دانشگاه تهران در این برهه از زمان، یعنی در قسمت عمده از تحولات قرن بیستم ایران، غیر قابل انکار و فراموش ناشدنی است. کافی است به تعداد بیمارانی که توسط اطبای فارغ‌التحصیل همین دانشگاه، طی هشتاد سال اخیر - از مرگ نمی‌گویم نجات یافته‌اند چون هیچکس از مرگ نجات پیدا نمی‌کند - حتی بزرگترین اطباء، بلکه باید بگویم، تعداد کسانی که

برای مدتی مرگ آنها به تأخیر افتاده است - قابل شمارش نیست.

تعداد ساختمانهایی که در اکتاف این مملکت، و حتی خارج از این مملکت، سر به آسمان سوده و بندگان خدا را از سرما و گرما پناه داده‌اند، در واقع به حساب نمی‌آید، یعنی به حساب می‌آید اما اهل آمار ما کوتاه آمده و هرگز یک رقم نزدیک به واقعیت به دست اهل تاریخ نداده‌اند. تعداد کسانی که در محاکم ایران به حکم قضات پاکدامن و حق‌شناس در این مملکت از چنگال ظلم و بی‌عدالتی خلاص شده‌اند، بر اساس آمار پرونده‌هایی که گاهی به زبان می‌آید، سر به میلیون و میلیاردها می‌گذارد. همین‌گونه است محققان و پژوهشگرانی که در رشته‌های مختلف علوم روزها در آزمایشگاه به سر برده، تا پاسی از شب با اکسیژن و هیدروژن سر و کله زده، جوانان مستعد را به راز و رمز طبیعت آشنا کرده و در علوم و فنون یک قدم به جلو برداشته‌اند. یا هنرمندانی که مردم خسته را به آهنگ‌های دلپذیر شاد ساخته و چشمان حساس را به تابلوها و مجسمه‌های جاندار روشنی بخشیده‌اند. طبیعت جاندار ما مدیون دانشکده کشاورزی، و جامعه‌ی عشایری و دامدار، و دامدار دانشکده دامپزشکی است. از دندان‌پزشکی چیزی نمی‌گویم که گفته‌اند:

لذت دنیا زن و دندان بود بی زن و دندان جهان زندان بود...

بسیاری از دولتمردان جمهوری اسلامی درجه علمی خود را از دانشکده معقول و منقول و الهیات دانشگاه تهران دریافت کرده‌اند - هرچند خود برکشیده تحصیلات حوزوی بوده‌اند.

چنین مؤسسه‌ای، که این همه تخصص به جامعه ایران تقدیم کرده، در چه حال و هوایی است؟ و حق او در این جامعه تا کجاست و مؤسسات دیگری که در واقع زاده و فرزندان همین مجتمع هستند و کار همین مجتمع را در ولایات دور دست انجام می‌دهند، تا چه حد مدیون مادر خود هستند؟ که به حق نام دانشگاه مادر به خود گرفته است؟

همچنان که در متن کتاب آمده، نباید تصور کرد که دانشگاه مؤسسه‌ای باشد که از صفر شروع کرده باشد. مؤسسات پراکنده‌ای از سال‌ها پیش وظایفی را که دانشگاه تحت عنوان «یونیورسیتیه» بر عهده گرفت، به صورتی انجام می‌دادند. دارالفنون خدمات پزشکی را از زمان ناصرالدین شاه بر اساس اصول جدید علم پزشکی انجام می‌داد، خدمات مهندسی و فنون از سال‌ها قبل مورد عمل بود. مؤسسه جغرافیایی دارالفنون زیر نظر پروفیسور کریشیش اتریشی، نخستین نقشه جغرافی تهران را با پیمودن قدم و اندازه ریسمان در صد و پنجاه سال پیش - به کمک محصلاتی مثل ذوالفقاریک کرمانی، معروف به محلاتی، و پنج تن دیگر ترسیم کرده بود و هرکدام از شاگردان دارالفنون بیست و پنج تومان جایزه از دست شاه گرفته بودند.

من نمونه این نقشه را با شرح بالای آن در کتاب «درخت جواهر» آورده‌ام (البته در چاپ اول) «به سعی نواب شاهزاده والایتیار اعتضادالسلطنه، به اهتمام عالیجاه موسیو کرشیش سرتیب معلم توپخانه مبارکه، و دستیاری ذوالفقاریک و محمدتقی خان شاگردان مشارالیه - که در مدرسه دارالفنون تربیت یافته‌اند به تاریخ شهر جمادی الاول سنه ۱۲۷۵ هـ / دسامبر ۱۸۵۸. و در ذیل آن مقیاس نقشه را خط کشیده و نوشته: «هر ابهامی یک قدم است»^۱. وقتی این نقشه را به حضور ناصرالدین شاه بردند «بسیار مطبوع افتاد و مبلغ یکصدتومان به انعام آنها مرحمت فرمودند، پنجاه تومان خود عالیجاه مشارالیه و پنجاه تومان به دو نفر شاگرد او»^۲. تنها نقشه، تهران دویست سال پیش مهم نیست، دو هزار و پانصد سال پیش هم مهندسان ایرانی، نقشه، تحت جمشید و ساختمان آن را با همین اندازه انگشت ابهام محاسبه کرده بودند.

برای تعیین ساعت ظهر و وقت نماز، به تقلید از دانشگاه‌های فرانسه، مهندس عبدالغفار، نجم‌الدوله توپچی بر بالای دارالفنون کار گذاشته بود که طبق حرکت آفتاب - وقتی ظهر به طور عمود بر توپ می‌تافت، با ذره‌بین قوی به نیروی آفتاب، باروت منفجر می‌شد و صدای توپ اعلام وقت می‌کرد مرحوم رهنما، آزمایش فوکو را در ایوان مدرسه سپهسالار تکرار کرد.

دارالمعلمین عالی از سال‌ها قبل معلم برای دبیرستان‌ها تربیت می‌کرد. مدرسه فلاح و تجارت خیلی زودتر از تأسیس دانشگاه، کار دانشگاهی می‌کرد. اصولاً وقتی دانشگاه فراهم شد، بیشتر معلم‌های آن همان تربیت‌شدگان یا معلم‌های دارالفنون بودند. مسئله مهم این بود که دانشگاه تأسیس شد تا همه این مؤسسات پراکنده را در یکجا جمع‌آوری کند و سطح علم و فن و ادب و معارف را در یک سطح متعادل و هم سنگ بالا ببرد و مهم این بود.

قانون تأسیس دانشگاه در جلسه سه‌شنبه مورخ ۲۲ اسفندماه ۱۳۱۲ ش / ۱۳ مارس ۱۹۳۴ م. یک هفته قبل از نوروز، به مجلس تقدیم شد و در آن وقت مرحوم دادگر رییس مجلس بود. لایحه از طرف مرحوم علی‌اصغر حکمت کفیل معارف با نام «لایحه تأسیس اونیورسیت» تنظیم شده بود و این بهترین عیدی آن سال دولت به ملت ایران بود.

۱- هم ولایتی ما، مقیاسی دقیق‌تر از اندازه انگشت ابهام - و پیمودن قدم در کوچه‌ها، نداشته است. واحد سنجش، و میلیمتر سنخ او همین قدم، و همین انگشت ابهام بوده است. برای رفع ابهام عرض می‌کنم که انگشت ابهام، انگشت شست است. من مخصوصاً اسم ذوالفقاریک کرمانی را آورده‌ام که به آن سرگند وفادار باشم: «نباشد کتابی که من بر آن مقدمه بنویسم و سمیناری که در آن شرکت کنم و در آنجا به تقریبی یا به تحقیقی یاد کرمان به میان نیاید».

۲- درخت جواهر، ص ۱۸۸، نقل از روزنامه وقایع اتفاقیه.

متهی شاه که هیچ‌کدام از دستگاه‌های بزرگ دنیا را ندیده بود، تصور مبهمی از چنین مؤسسه‌ای داشت و حتی رجال دولتی هم چیزی در حدود دارالفنون یا مؤسسه البرز را از جهت وسعت و امکانات در نظر می‌پروراندند.

قضای روزگار است که محصلی که نزدیک به شصت سال پیش (۱۳۱۸ ش / ۱۹۳۹ م.) در کوهستان پاریز در نشریه دست‌نویس خود به نام «ندای پاریز» تجلیل از جشن دانشگاه تهران می‌کرد، مقرر باشد که امروز به خاطر این‌که شاید از قدیم‌ترین کسانی است که از سردر قدیمی دانشگاه تهران وارد دانشگاه شده و هنوز هم در همان دانشگاهش نفسی می‌آید، بیاید و برای تاریخ دانشگاه تهران مقدمه بنویسد.

مرحوم فروغی و حکمت و سایر اولیای دولت مثل داور وزیر مالیه دست و پا کردند و قنات جلالیه که حتی امروز هم ثانیه‌ای ۱۷ لیتر آب می‌دهد، انتخاب شد و زمین‌های آن خریداری شد و چهار دیواری پدید آمد که امروز به دانشگاه تهران در دنیا شهرت یافته است.

اولین سنگ بنای دانشگاه روز دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۱۳ ش / ۴ فوریه ۱۹۳۴ م. در زمین‌های جلالیه به زمین گذاشته شد...

همکاران محقق ما استاد دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد مدیر گروه تاریخ با همکاری دو تن استاد تاریخ آقایان دکتر منصور صفت‌گل و دکتر محمدباقر وثوقی با کوشش شبانه‌روزی و با مراجعه به اسناد، تاریخ مفصلی برای این مؤسسه بزرگ فراهم آورده‌اند، که در نوع خود بی‌نظیر است.

دوستان همکار ما و اصولاً گروه تاریخ، اجرشان البته محفوظ است و بسیار کار بجایی کرده‌اند - هرچند اندکی دیر شده است، زیرا مؤسسه‌ای با این عظمت و با این تأثیر در جامعه ایرانی، حق آن است که هر ۳۰ سال یکبار (که در اصطلاح اهل تاریخ یک قرن تاریخی است و در واقع یک نسل جدید روی کار می‌آید) یک تاریخ به صورت مجموعه جدید در اختیار نسل جدید بگذارد. اگر این حرف من راه به دهی ببرد تا امروز حق این بود که ما لااقل سه جلد تاریخ دانشگاه تهران در بایگانی کتابخانه‌ها داشته باشیم.

علاوه بر آن، مگر نه آن است که هر سی سال یکبار اسناد محرمانه دولت‌ها آشکار و در اختیار عموم مردم گذاشته می‌شود؟ پس هر سی سال یکبار، نکات تازه‌ای از گذشته هر مؤسسه‌ای آشکار می‌شود که تا آن روز از جامعه پنهان بوده است. از قدیم می‌گفتند: کوزه‌گراز کوزه شکسته آب می‌خورد، گروه تاریخ دانشکده ادبیات تهران، در حدود وسع خود تا امروز برای تمام مملکت و حتی برای تمام دنیا تاریخ نوشته است، جز برای دانشگاهی که خودش جیره‌خوار آن

دانشگاه است. باز از قدیم گفته‌اند: ضرر را از هر کجا جلو بگیری منفعت است. حالا هر چند دیر شده، باز هم گروه تاریخ کار با ارزشی انجام داده است.

البته تألیف این تاریخ ابتدا به ساکن نیست. دست و پا شکسته تألیفات دیگری از این گونه می‌توان پیدا کرد که برای مثال مقالات تحقیقی استاد محیط طباطبایی در مورد اولین محصلانی که به خارج رفتند در همین ردیف است. یا سالنامه‌هایی که دانشکده‌های گوناگون در بعضی سال‌ها به چاپ رسانده‌اند، حاوی اطلاعاتی درباره تاریخچه دانشگاه هست - و کتاب استاد محبوبی اردکانی بنام «مؤسسات تمدنی جدید در ایران» از منابع مهم همین جلد اول کتاب می‌توانسته باشد، اما به هر حال اصل تاریخ دانشگاه مال زمان بالندگی آن است و مربوط به روزگاری که کمال یافته و نه تنها عامل اصلی پیشرفت‌های علمی در این مملکت بوده، بلکه در همه مسائل اجتماعی نیز صاحب رأی و صاحب نظر شده است.

همانطور که تاریخ عالم را به تاریخ شرق یا غرب، و به تاریخ پیش از مسیح و بعد از مسیح، و به تاریخ قرون وسطی و تاریخ معاصر تقسیم می‌کنند، باز هم چنانکه در ایران به‌ویژه تاریخ پیش از اسلام و بعد از اسلام را، سپس با تفکیک دوره‌ها، تخصص می‌بخشند - تاریخ دانشگاه تهران را هم، هر چند دورانی کوتاه است، اما از نظر تحركات اجتماعی و تبدلات دانشگاهی می‌شود به چند دوره تقسیم کرد: به طور مثال دوران قبل از استقلال دانشگاه، که می‌شود نقطه پایان آن را حوادث ۲۱ آذر ۱۳۲۱ ش/ ۱۲ دسامبر ۱۹۴۲ م. به حساب آورد، و دوران استقلال تا بعد از ۲۸ مرداد و حوادث ۱۶ آذر ۱۳۳۳ ش/ ۷ دسامبر ۱۹۵۴ م. که دوره‌ای پرتلاطم است، یا دوران بعد از آن تا حوادث بهمن ۱۳۴۰ ش/ ۲۱ ژانویه ۱۹۶۲ م. و دوران بعد از ۱۳ آبان ۱۳۵۷ ش/ ۴ نوامبر ۱۹۷۸ م. که در واقع دوران معاصر تاریخ دانشگاه تهران است و روزی است که بچه‌ها مجسمه‌ای را در داخل دانشگاه پایین کشیدند و به خیابان بردند و از بالای پل حافظ فرو انداختند. لابد حساب آنها این بود که اگر قرار باشد مجسمه‌ای هم در کار باشد، باید مجسمه کسی نباشد که در بهمن ۱۳۴۰ ش/ چتر باز کماندو از سر در جدید دانشگاه به داخل می‌فرستاد، که به قول کرمانی‌ها بچه‌ها را «بکتاراندند» و از در دیگر بیرون روند.

حقیقت اینست که دانشگاه جای مجسمه هیچ‌کس نیست (و دانشگاهیان هر چند از گروه و فرقه مجسمه نیستند) ولی به هر حال چندان با مجسمه‌ها هم سر و کار ندارند. اگر باید مجسمه‌ای در دانشگاه باشد باید مجسمه فردوسی باشد، ابن سینا باشد، رازی باشد - و حتی اگر اینها هم نباشد آن مجسمه بز آهنی که یک خدمتگزار دانشکده هنرهای زیبا از پس مانده آهن و

فلزات دانشجویان مجسمه‌ساز فراهم آورد و در اثر طول خدمت و چایی دادن به استادان و تماس با دانشجویان، راه و رمز کار مجسمه‌سازی آنان را آموخت و به تقلید روال کار پیکاسو، مجسمه‌ای از آهن‌پاره‌ها جوش داده (که یک جایزه هنری را هم برد) اگر قرار باشد مجسمه باشد باید این مجسمه را برابر دانشکده هنرهای زیبا گذاشت که حاکی از آن باشد که همه کس در همه مدت از سنین خود می‌تواند چیزی بیاموزد، و باز نشانه آن باشد که دانشگاه جای آموختن است و بازگو کند این نکته را که «برای آموختن هیچ گاه دیر نیست» - و پشت سماور آبدارخانه هم می‌توان چیزی آموخت. «همه جا خانه عشق است چه مسجد چه کشت».

البته این دوره‌ها، که گاهی مقتضای جوانی و خامی است و گاهی احساس عدم شناخت و توجه جامعه به خواست‌ها و موقعیت دانشگاه بوده، چوب ناسازی‌ها و ناسازگاری‌های خود را هم خورده است) که من در کتاب «نون جو» از آن به تراش‌های دانشگاهی تعبیر کرده‌ام. منتهی چون پایه دانشگاه بر حقیقت است البته همچنان پابرجا ماند و همچنان با وجود انقلابات گوناگون مقام خود را حفظ کرد:

سرافرازی چشم بد، بسیار دارد در کمین تا بود روشن، مدار شمع، برلرزیدن است این کتاب البته تاریخ کامل دانشگاه تهران نیست، و این جلد - که مخلص این چند سطر را به عنوان مقدمه بر آن می‌نویسد - دوران اولیه و اندکی از شهریور بیست است که در واقع روزگاری است که تازه دانشگاه تهران، دندان شیری خود را ریخته، دست چپ و راست خود را شناخته است. دوران بلوغ این دانشگاه مادر بعد از آن سالهاست که دندان عقلی در می‌آورد، و کمال خود را نشان می‌دهد. امیدوارم که هیچگاه به پیری و ناتوانی و دوران یائسگی - به قول اطباء - نرسد. پیشنهاد من (که هر سی سال یکبار باید تاریخ جدیدی برای دانشگاه تهران نوشت) یک پیشنهاد اصولی و اساسی است، به ویژه که وسایل تاریخ‌نگاری و خود مورخان هر دوره، با دوره قبل سخت متفاوت هستند. پس دوستان من از این که من این تاریخ مفصل را باز هم تاریخ جامع دانشگاه نمی‌دانم، البته رنجش به دل نخواهند گرفت. قدم اول است و بهترین قدم است و به قول چینی‌ها «راه هزار فرسخی با یک قدم شروع می‌شود». اقبال لاهوری هم فرموده است:

گمان مبر که به پایان رسید کار مغان هنوز باده ناخورده در بن تاک است

یک دلیل آن پیشنهاد این است که براساس قانون‌های بین‌المللی (که ایران هم آن را به صورت یک سنت پذیرفته) اسناد محرمانه و حتی غیر محرمانه بسیاری از سازمان‌ها و نهادها بعد از سی سال آزاد می‌شود و تحویل مراکز اسناد می‌شود و در نتیجه هر سی سال یک بار اسناد تازه‌ای در دسترس محققان قرار خواهد گرفت، که تا آن روز از چشم آنها پنهان بود و این نکته برای کسانی

که اهل تاریخ هستند و تاریخ می‌نویسند یک یافته کلیدی است. پس بعد از هر سی سال می‌توان برای هر نهادی تاریخی نوشت که با آن تاریخ که سی سال قبل از آن نوشته شده، به کلی تفاوت ماهوی خواهد داشت.

از روز سه‌شنبه ۲۲ اسفندماه ۱۳۱۲ ش/ ۱۳ مارس ۱۹۳۴م. که مرحوم علی‌اصغر حکمت قانون تأسیس دانشگاه را به مجلس داد، تا امروز بیش از هفتاد سال گذشته و طی این مدت تحولات بسیار رخ داده که حق این بود دانشگاه ما لااقل سه دوره کتاب مستقل (هر قرن سی ساله یک دوره) برای خود داشته باشد. سپاسگزاری از تألیف بر چنین کتاب مهمی نیز البته در شأن بزرگان دیگر دانشگاهی است، اما دوستان از جهت حسن ظن، این افتخار را نصیب کسی کرده‌اند که یکی از معدود کسانی است که از سر در سنگی قدیم دانشگاه وارد شده، ۴۸ سال از عمر ۵۵ سال معلمی خود را در دانشگاه گذرانده، از روز اول ورود به دانشگاه تهران - مهر ۱۳۲۵ ش/ سپتامبر ۱۹۴۶م. کمک هزینه تحصیلی دریافت کرده - و اعتراف باید بکنم که شاید مخلص از جمله کسانی باشد که درین مدت طولانی، بیشترین کمک هزینه و حقوق را از دانشگاه تهران گرفته و نیم قرن پول دولت را حرام کرده‌ام و در ازای آن، خودم را عرض می‌کنم (به اندازه یک پول سیاه وجود و ارزش دانشگاهی نداشته است. از آن روزها که مرحوم مشتی ذبیح‌الله حقوق استادان دانشگاه را در خورجین دوچرخه کهنه خود می‌گذاشت و از بانک به دانشگاه می‌آمد و تا شاهی آخر آن را به کارمندان می‌پرداخت - و البته مجموع حقوق‌ها هم از یک خورجین تجاوز نمی‌کرد، تا امروز که حقوق‌ها را با ایمیل و کامپیوتر می‌فرستند، این بنده حقوق از همین چهار دیواری دریافت کرده، محضر استادان اولیه مثل نصرالله فلسفی و عباس اقبال و سعید نفیسی و پورداد و رشید یاسمی و دکتر مستوفی و دکتر عزیزی و ده‌ها تن استاد نامدار دیگر را درک کرده که امروز تنها یکی از آنها - دکتر محمدحسن گنجی حیات دارد.

چراغ صاعقه آن سحاب روشن باد که زد به خرمن من آتش محبت او

این برای نگارنده افتخاری بزرگ است که سه چهارم از ۸۰ سال عمر خود را، در چهاردیواری سازمانی گذرانده است که مسئول تربیت سه نسل از جمعیت ایران در بیش از ۷۰ سال بوده است.

گرد آفاق چو پرگار بگشتیم و شدیم عاقبت در سر کوی تو به یک نقطه مقیم
حق داشته‌اند همکاران ما در تألیف این کتاب که به سوابق اولیه تأسیس دانشگاه توجه داشته‌اند. صحیح این است که استادانی که در ۱۳۱۳ ش/ ۱۹۳۴م. کرسی‌های دانشگاهی را به

وجود خود آراسته‌اند همه برخاسته و محصول عصر مشروطیت بودند و بیشتر آنهایی بودند که در عصر مشروطه، خود را به اروپا و آمریکا و سایر نقاط دنیا رسانده، تحصیلات عالی کرده‌اند و در بازگشت، هسته اولیه دانشگاه تهران را به وجود آورده‌اند و اینها همه هیچ نیست جز توجه به اصول آزادی که در صدر مشروطه و اندکی قبل از آن در ایران رونما شده بود. شوق پیشرفت و آشنایی با علوم جدید، این گروه سخت‌کوش را به تحمل مصائب راه در آن روزها واداشت تا با اندوخته‌ای عظیم از آموخته‌ها خود را به ایران رساندند و خوشبختانه زمینه فراهم آمد و این موسسه بزرگ پا گرفت. امید این است که این مؤسسه قویم - که دارد کم کم قدیم هم می‌شود - مرکزیت و صلاحیت پیش کسوتی دانشگاهی خود را (که در دنیای فرهنگی و فرهنگ دنیایی به دست آورده است) همچنان حفظ کند.

مرحوم دکتر علی‌اکبر سیاسی که یکی از اساطین استادان دانشگاه بود، یکی از اصول کار او این بود که هر ۵ سال یکبار هر استادی برای یک سال به عنوان فرصت مطالعاتی متناسب تخصص خود به کشورهای خارجی سفر کند. اعتقاد او این بود که علوم (به ویژه علوم محض) هر سال، و گاهی زودتر از یکسال تحولات عظیم پیدا می‌کنند، و بر استاد دانشگاه واجب است که خود را متناسب زمان آماده کار سازد. خود همیشه می‌گفت که یکی از مشکلات کار من در طول ریاست طولانی خود در دانشگاه این بود که به زحمت می‌توانستم اطباء و کادر پزشکی را به این مأموریت مطالعاتی بفرستم، که بیم تعطیل مطب بود و تغییر کادر بیمارستان، و حال آنکه این رشته بزرگ علمی که تحولات او در این سده به صورت جهشی صورت می‌گیرد، بیش از هر علم دیگری در معرض کهنه شدن است و تفاوت دارد با علوم انسانی، که از آن به «علوم چرک تاب» تعبیر می‌کنند.

کلود کاهن، استاد نامدار تاریخ اسلام در دانشگاه سوربن، مردی سخت‌گیر بود و در امتحانات خود موی را از ماست می‌کشید. دستیار او یک وقت با ادب و احترام لازم به استاد گفت:

- آیا گمان نمی‌کنید که این همه سخت‌گیری، دانشجویان را از تاریخ اسلام می‌رماند و بسا که

این درس در دنیای قرن بیستم آن قدر کم‌خردار شود که به تعطیل گراید؟

گویا استاد کلود کاهن در جواب گفته بود:

- برعکس، دوست من، اگر قرار باشد کرسی تاریخ اسلام در دانشگاه سوربن باقی بماند و

هویت خود را حفظ کند، یکی از اصول آن همین سخت‌گیری در کار دانشجویان است. مطمئن

باشید که سخت‌گیری‌های من از روی دلسوزی و برای بقای همین کرسی درس تاریخ است.

اکنون همه امیدها به همین چهاردیواری که به نام دانشگاه در چهارگوشه مملکت پا گرفته،

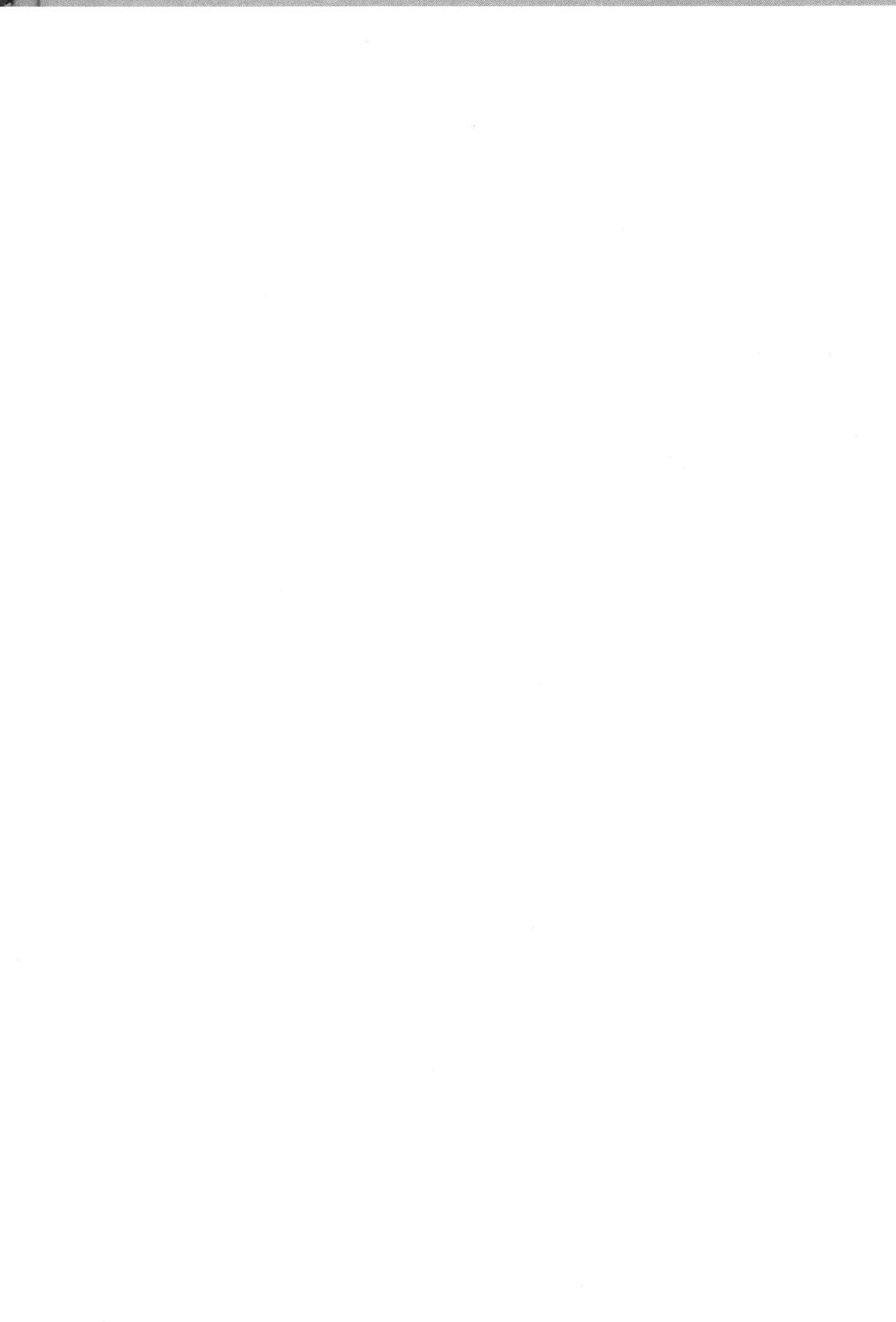
بسته است و این امید هست که در نوسازی و بازسازی مملکت، با موهبت‌های طبیعی و خدادادی که در این سرزمین وجود دارد، شاهد رشد و شکوفایی ملت پر افتخار ایران بیش از پیش باشیم.

ما زسرمای زمستان رسته‌ایم
دل به امید گلستان بسته‌ایم

مخلص، نگارنده این مقدمه، بعد از اجرای طرح توسعه دانشگاه برای ایجاد پردیس دانشگاهی، تنها یک آرزو دارد و آن این است که درین سال‌های آخر عمر، برای یکبار هم که باشد - پیش از بازنشستگی زودرس بعد از ۵۵ سال (که ۴۷ سال آن در دانشگاه سپری شده) این پیر معلم ناتوان، یکبار هم که باشد از در شرقی دانشگاه که در خیابان وصال باشد، قدم به دانشگاه تهران بگذارد و سلامی به آستان این تأسیسات متبرک بنماید، و آنگاه از در غربی که باید در خیابان کارگر (امیرآباد) باز شده باشد، قدم به خارج بگذارد. هرچند باز روی دل به جانب همین چهاردیواری خواهد داشت. به قول خاقانی:

با همه دل شکستگی، روی به آسمان کنم
آه که قبله دگر، نیست ورای آسمان

محمد ابراهیم باستانی پاریزی



● درآمد

اندیشه تألیف تاریخ دانشگاه تهران حدود پنج سال پیش به معاون محترم پژوهشی دانشگاه پیشنهاد شد و پس از موافقت ایشان با کلیت موضوع، مدتی بعد در زمان ریاست جناب آقای دکتر خلیلی عراقی نیز در یکی از جلسات شورای فرهنگی دانشگاه درباره اهمیت اقدام در این زمینه و تدوین طرح اولیه گفت‌وگو شد. اگرچه چند جلسه بعد شورا با اجرای طرحی که ارائه شد موافقت کرد، اما تحقق این اندیشه تا زمان ریاست دکتر فرجی دانا که همراه با جناب آقای دکتر رحیمیان به پشتیبانی و حمایت گسترده از اجرای آن پرداختند، به تعویق افتاد. در سال ۱۳۸۱، پس از انجام هماهنگی‌های لازم با بخش‌های مختلف دانشگاه و بایگانی‌های دانشکده‌ها، نخستین قدم‌ها برای فراهم آوردن منابع اولیه تحقیق و شناسایی اسناد و مدارک مربوط به تاریخ دانشگاه آغاز شد. در بادی امر به نظر می‌رسید که بایگانی‌های راکد دانشگاه و مرکز اسناد و آرشیو کتابخانه مرکزی و دبیرخانه دانشگاه حاوی تمام، یا حداقل، بیشتر اسناد و مدارک مورد نظر باشند، اما پس از قریب یک سال جست‌وجو در تمام بخش‌های دانشگاه، حتی در بایگانی راکد دانشگاه که قسمتی از پرونده‌های آن به دلیل کمبود جا و قلت امکانات در انبار اسقاطی‌ها نگهداری می‌شود، متأسفانه انتظار اولیه برای یافتن اسناد و مدارک تاریخی برآورده نشد و سرانجام معلوم شد که طی هفتاد سال گذشته، برای مراقبت و حفظ بسیاری از این اسناد که احتیاج به مکان مناسب و شرایط مطلوب داشته‌اند، اقدامی شایسته به عمل نیامده و یکی از گرانبهاترین گنجینه‌های تاریخی دانشگاه به تدریج از میان رفته است.

از آنجا که حسب سنت اداری در دستگاه دیوانی کشور، غالب اسناد، به‌ویژه مکاتباتی که با مراکز برون دانشگاهی انجام می‌شود، دارای رونوشت‌ها و نمونه‌های متعدد بوده، بر آن شدیم تا به پی‌جویی اسناد دانشگاهی در آرشیوهای مختلف کشور، از جمله سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، آرشیو وزارت خارجه، وزارت معارف و اسناد دربار پهلوی که بخشی از آنها در آرشیو اسناد ریاست جمهوری نگهداری می‌شوند و آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران مبادرت کنیم. خوشبختانه این پی‌جویی مفید بود و شماری از اسناد دانشگاهی در این آرشیوها

به دست آمد.

در کنار جمع‌آوری این اسناد و استخراج دیگر اطلاعات از منابع چاپی دانشگاهی و غیر دانشگاهی، به ویژه راهنماها و سالنامه‌های دانشگاهی و دانشکده‌های اولیه دانشگاه تهران، حتی سالنامه‌های مدارس عالی که پیش از تأسیس دانشگاه پدید آمده بودند، کوشیدیم تا با مراجعه به استادان قدیمی و کارمندان با سابقه و بازنشسته، حداکثر تلاش را برای دسترسی به هرگونه آگاهی و اطلاع درباره تاریخ دانشگاه تهران فراهم کنیم. در مسیر همین تلاش‌ها بود که به وجود میکروفیلمی از جلسات شورای دانشگاه تهران در آرشیو میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه پی‌بردیم. مطالعه صورت جلسات شورای دانشگاه موجب شد تا جست‌وجویی جدی را برای یافتن صورت جلسات شورای دانشکده‌های مختلف دانشگاه و بیشتر شش دانشکده اولیه که بررسی تاریخ تفصیلی شکل‌گیری آنها، قسمتی از موضوع جلد اول تاریخ دانشگاه است، آغاز کنیم. متأسفانه تاکنون اثری از این اسناد گرانبها در پنج دانشکده اولیه که همچنان در شمار دانشکده‌های دانشگاه تهران قرار دارند، به دست نیامده است. گفتنی است که تلاش فراوان برای دسترسی به اسناد و مدارک دانشکده پزشکی نیز که سالهاست از دانشگاه تهران جدا شده نیز بی‌نتیجه ماند و اولیای محترم این دانشکده امکان استفاده از این اسناد را فراهم نساختند.

چنانکه در بحث از پیش‌زمینه‌های تاریخی تأسیس دانشگاه تهران ملاحظه خواهد شد، افزون بر این‌که شش دانشکده اولیه دانشگاه از پیوستن مدارس عالی پیشین به دانشگاه پدید آمدند، دانشگاه تهران نیز در دوره اول حیات خود تحت نظارت وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه قرار داشت و بسیاری از برنامه‌ها و اساسنامه‌ها و مسائل مختلف مربوط به دانشگاه در شورای عالی معارف بحث و بررسی می‌شد. در پی‌جویی برای دسترسی به اسناد وزارت معارف و دارالفنون و دانشسرای عالی، با لطف دوست گرانقدر جناب آقای دکتر محمدعلی اکبری، استاد فرزانه گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی به تصویری از مجموعه صورت جلسات شورای عالی معارف که در اختیار ایشان قرار داشت، دسترسی پیدا کردیم.

با در اختیار داشتن این مجموعه که در قالب دفاتر متعددی از نهم ربیع‌الاول ۱۳۴۱ (۷ آبان ۱۳۰۱) آغاز می‌شود و تا سال ۱۳۳۲ خورشیدی ادامه دارد، همچنین با دسترسی به صورت جلسات شورای دانشگاه و فراهم آوردن شمار قابل توجهی اسناد از آرشیوهای مختلف و گردآوری گزارش‌های موجود در سالنامه‌های مدارس عالی پیش از تأسیس دانشگاه و استخراج برخی از اخبار دانشگاهی از روزنامه اطلاعات که در سال‌های اولیه شکل‌گیری و فعالیت دانشگاه تهران به درج غالب اخبار و مصوبات این دانشگاه می‌پرداخت، بخش قابل ملاحظه‌ای از

دستمایه‌های تحقیق و پژوهش در باب تاریخ دانشگاه تهران فراهم و سرانجام از دو سال پیش تألیف جلد اول این تاریخ آغاز شد.

اگرچه در روند این تحقیق و در طول زمان تألیف این مجلد کوشیده‌ایم تا نهایت دقت و مراقبت را برای گزارش درست و بی‌نقص تاریخ دانشگاه در دوره اول حیات، ارائه کنیم، اما بعید نیست که به دلیل قلت اسناد آرشیوی این دوره و دسترسی نیافتن به صورت جلسات شورای دانشکده‌ها و بایگانی‌های راکد آنها، به‌ویژه دانشکده‌های پزشکی و حقوق و علوم سیاسی که هرگز امکان مراجعه به بایگانی راکد این دانشکده‌ها را نیافتیم، همچنین عدم دسترسی به بایگانی راکد دانشکده علوم که گویا تمام بایگانی راکد آن در سالیان دوراز میان رفته است، کاستی‌ها و خطاهایی در اجزای این تاریخ راه یافته باشد. همین‌جا ضمن پوزش از استادان محترم و خوانندگان فرزانه، درخواست می‌کنیم تا این کاستی‌ها و خطاها را متذکر شوند و از این راه مجری طرح و مؤلفان را رهین منت خویش سازند.

افزون بر حمایت گسترده جناب آقای دکتر فرجی دانا و دکتر رحیمیان، رؤسای محترم دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی، دانشکده فنی، دانشکده علوم، دانشکده معماری و هنرهای زیبا، آقایان دکتر علی‌افخمی، دکتر محمود نیلی، دکتر حمید پزشک، دکتر محسن حبیبی، جناب آقای دکتر غلامرضا ظریفیان معاون دانشجویی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، از اجرای طرح تألیف تاریخ دانشگاه تهران حمایت‌های ارزنده‌ای به عمل آوردند. جناب آقای مهندس اسماعیلی، مدیرکل محترم کارگزینی و همکارانشان در این اداره، یعنی آقایان: علی شجاعی، براتعلی جباری، اصغر علی پور، سعید مرادی و محمدرضا سالارکیا نیز برای دسترسی به پرونده‌ها و اسناد ضروری بایگانی دانشگاه زحمات و همراهی‌های صمیمانه‌ای مبذول داشتند. جناب آقای دکتر محمدصادق ضیایی، ریاست محترم کتابخانه مرکزی و خانم‌ها حری و میرزایی، کارشناسان و کارمندان سخت‌کوش این کتابخانه نیز برای دسترسی به منابع موجود در کتابخانه دانشگاه، نهایت لطف و محبت را نشان دادند. جناب آقای دکتر خضری، مدیرکل محترم روابط عمومی دانشگاه، برای هماهنگی برای پیوند مؤلفان و محققان طرح با بخش‌های مختلف دانشگاه نهایت همکاری و همراهی را به عمل آوردند. از تمامی این عزیزان نهایت امتنان و تشکر را داریم. بی‌شک اگر از این حمایت‌ها و همراهی‌ها و همکاری‌ها برخوردار نبودیم، توفیق پیشبرد این تحقیق را نمی‌یافتیم.

رهبابی و استفاده از شماری از اسناد دانشگاهی در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران و دسترسی به تعدادی از اسناد وزارت دربار که گزارش‌هایی در باب دانشگاه تهران را در بر دارند، با لطف و

همراهی مسئولان سازمان اسناد ملی و آرشیو ریاست جمهوری، به ویژه آقایان عزیزی و اسماعیلی حاصل شد. لازم می‌دانیم تا از عنایت و لطف آنان نیز سپاسگزاری کنیم.

جناب آقای دکتر نظراهوری ریاست مرکز اسناد و آرشیو دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه و جناب آقای شجاعی، رئیس بخش اسناد دفتر مطالعات، برای استفاده از آرشیو اسناد این وزارتخانه همراهی‌های مفید و مؤثری داشتند، که از آنان نیز قدردانی می‌کنیم. جناب آقای احمد حاج بابایی برای جست‌وجو در مراکز اسناد و آرشیوها تلاش صمیمانه و بی‌دریغی را به کار گرفتند. چه بسا بدون همراهی ارزنده ایشان آگاهی و دسترسی به بسیاری از اسناد دانشگاهی، اسناد مربوط به موقوفات دانشگاه و ساختمان‌ها و بناهای دانشگاهی بسیار دشوار می‌شد. از این همراهی ارزشمند نیز سپاسگزاریم. سرکار خانم اکرم مسعودی، کارشناس بخش مخزن نفیس و آقای جلال متقیان مسئول بخش نشریات کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، با لطف و محبت زیاد، امکان استفاده کامل از مجموعه مجلات و سالنامه‌های وزارت معارف و دانشگاه را فراهم کردند. از لطف و همراهی صمیمانه ایشان نیز سپاسگزاری می‌کنیم.

سرکار خانم سیما سالور، کارشناس گروه تاریخ، زحمت تنظیم و آماده سازی شمار زیادی از جدول‌های موجود در این تألیف را متحمل شدند. از تلاش صمیمانه ایشان نیز نهایت امتنان را داریم. جناب آقای نعمت‌الله علی‌محمدی، دیگر همکارمان در گروه تاریخ و مسئول کتابخانه گروه، چه در استخراج اطلاعات برخی از قسمت‌ها از صورت جلسات شورای دانشگاه و چه در تطبیق و تنظیم فهرست مشخصات استادان متوفی و بازنشسته دانشگاه و چه در انجام هماهنگی‌های ضروری، زحمت فراوانی کشیدند. از زحمات فراوان ایشان نیز سپاسگزاریم.

خانم‌ها زهرا فریدی و منیره شیبانی، اگرچه در ماه‌های پایانی تألیف جلد اول تاریخ دانشگاه به همکاری با مجری طرح پرداختند، اما قدرناشناسی است اگر از زحمات بسیار زیاد و ارزنده و اثرگذار آنان در مقابله متن‌ها و کنترل ارجاعات و پی‌نوشت‌ها و استخراج بخش مهمی از اطلاعات موجود در صورت جلسات شورای عالی معارف و شورای دانشگاه و تنظیم و کنترل محتوایی جداول موجود در این تألیف یاد نکرده و از آنان صمیمانه قدردانی نکنیم.

آقایان و خانم‌ها دانشجویان گروه تاریخ: پروانه وحیدمنش، علی باریکانی، احمد بازماندگان خمیری، امیر عربخانی، مریم عزیزی و محمدرضا سارخانی هر کدام در تدارک برخی از اطلاعات مربوط به تاریخ دانشگاه با مؤلفان همراهی و همکاری داشتند. از آنان نیز سپاسگزاری می‌کنیم. زحمات اصلی صفحه‌آرایی و تنظیم عکس‌ها را جناب آقای صادق حیدری‌نیا عهده‌دار شدند که از مراتب دقت و دلسوزی ایشان در این زمینه تشکر می‌کنیم.

در پایه‌گذاری و تداوم حیات دانشگاه تهران شمار زیادی از استادان دانشگاه نقشی غیر قابل انکار داشتند. بدون تردید استمرار وجود دانشگاه تهران مدیون تلاش‌ها و کوشش‌های آنان است. کوشش‌هایی که با خلوص تمام و با عشق و اعتقاد به اعتلای دانشگاه تهران و رشد و شکوفایی استعدادهای جوانان مستعد این مرز و بوم صورت گرفته و چه بسا حاصل آن همه اخلاص و اعتقاد در جایی به ثبت نرسیده باشد. کمترین مراتب قدردانی از آنان این است که این اثر را به آنان، به‌ویژه آن دسته از استادان درگذشته و بازنشسته که هستی معنوی آنان همچنان در درون کلاس‌ها و مراکز تحقیقاتی دانشگاه تهران جاری است، تقدیم داریم.

غلامحسین زرگری‌نژاد

پنجم شهریور ۱۳۸۴